

## رویکردی تحلیلی بر خصلت دعوتگری مساجد معاصر (بررسی موردی: مساجد تهران)



حسنا ورمقانی\*

استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۲/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۶/۰۶

### چکیده:

معماری مسجد که روزگاری شکوهمندترین نمونه‌های آن در ایران برپا می‌شد؛ به‌عنوان مکان برابری و یکسانی همه اقشار، باید واجد خصلت‌های دعوتگری، هدایت و تذکر باشد؛ و به‌عنوان مبلغ دین اسلام به فراخوانی مؤمنین و جذب پیروان دیگر ادیان بپردازد. این دعوتگری نه تنها در سیما و منظر که حتی از نظر صوتی و سایر تمهیداتی چون چندعملکردی بودن و مرکزیت و مکان استقرار نیز انجام‌پذیر است. این معماری که به دلیل جامعیت، اهمیت، تعدد و جایگاه والا در روزگار گذشته، اصلی‌ترین عامل هویت‌دهنده به مجتمع‌های زیستی مسلمانان محسوب می‌شد؛ امروز به دلیل تغییرات ساختاری، نقش دعوتگرانه خود را از دست داده است. در دوران معاصر، هم‌زمان با تحولات ساختار شهر، به علت تغییر نیازها و عملکردهای مساجد و نیز تمایز نسبت‌های ابعادی و مکانیابی آن‌ها در ساختار شهری و تنگناهای اقتصادی، اهداف و خصایص اصیل مساجد نیز به فراموشی سپرده شد؛ تا حدی که امروزه تمام گروه‌های اجتماعی درگیر با آن از شهروندان و نمازگزاران تا معماران و طراحان شهری را به واکنش واداشته است. آن‌چه ایده مرکزی مقاله حاضر را شکل می‌دهد؛ توجه به نقش دعوتگرانه مساجد به‌عنوان یکی از ارکان طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری در مراکز و محلات شهر معاصر است؛ با این تذکر که همه جنبه‌های دعوتگری در کالبد، کارکرد و معنا مدنظر هستند. مقاله حاضر با پاسخگویی به این پرسش که چگونه می‌توان از مؤلفه‌های کالبدی، کارکردی و معنایی مساجد در مقیاس شهری و محلی، منظر و نمای ورودی و نیز فضای درونی بنا در جهت ارتقای کیفیت دعوتگری استفاده نمود؛ به دنبال یافتن فرایند طراحی مطلوب است. در این راستا، با استفاده از روش تحلیل محتوا، به بازخوانی اقدامات و نظریات در حوزه مقولات مرتبط با موضوع پرداخته و با دستیابی به چارچوبی مفهومی و اصولی کاربردی، فرایند مطلوب در زمینه ارتقای کیفیت دعوتگری مساجد معاصر ارائه شده است. جهت تدقیق موضوع با انتخاب ۲۰ نمونه موردی از مساجد معاصر تهران با استناد به منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی به تحلیل عناصر تأثیرگذار در فرم کلی بنا، جداره‌های خارجی، طراحی نما و منظر ورودی و فضای درونی مساجد پرداخته شده است. نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد آن‌چه بر پذیرندگی مساجد تأثیر می‌گذارد؛ مجموعه مطلوبی از عوامل کالبدی تا معنایی مؤثر بر تقویت حضور فرد و اجتماع است که در قالب معیارهای نمایانی و مرکزیت در مقیاس شهری، پذیرندگی و هدایتگری در مقیاس محلی، معناداری و خاطره بصری در جداره‌های خارجی و منظر ورودی، تبدیل‌پذیری و انتظام فضایی در فضای درونی مساجد دسته‌بندی و تشریح شده است.

واژه‌های کلیدی: مسجد، دعوتگری، معماری معاصر، منظر ورودی، فضای درونی.

## مقدمه

پیدچیدگی مباحث مرتبط با طراحی مسجد که از یک سو لازم است با متون اسلامی و احکام فقهی منطبق گردد؛ از سویی با نوآفرینی نمادها در معماری معاصر و در مقابل، با فرم‌ها و الگوهای ناب در معماری سنتی و نیز خواست‌های مردمی مواجه بوده و از سوی دیگر به عنوان پدیده‌ای مؤثر در سیمای شهر با مباحث برنامه‌ریزی و منظر شهری مرتبط است؛ در کنار کمبود مبانی مدون در این زمینه، موجب دشواری تصمیم‌گیری و ناهماهنگی طرح‌های اجرایی در خصوص تحقق رسالت اصلی مسجد و هدف عمده از طرح آن شده است که فراخوانی، دعوت‌گری و هدایت اجتماع به پرستش و عبادت جمعی است و لازم است در طراحی فرم بنا، سازماندهی کارکردی و ویژگی‌های معنایی فرم و فضای مسجد مورد توجه قرار گیرد. بی‌توجهی به این هدف که در چارچوب معماری معنوی قرار می‌گیرد؛ جایگاه دین و تعالیم آن را نیز در میان شهروندان کم‌رنگ می‌نماید. «زوال هنر قدسی برای دین همان‌قدر مصیبت‌زاست که تضعیف تعالیم روحانی و اخلاقی یا انکار احکام تشریحی آن» (شکاری ۱۳۸۱، ۴۳). با توجه به تضعیف نقش اجتماعی مساجد در ساختار کلان‌شهرهای امروز، مقاله حاضر در تلاش است به اهداف پژوهش یعنی ارائه معیارهای طراحی حاصل از بررسی ادبیات تحقیق، همچنین تدقیق این معیارها از طریق مطالعه نمونه‌های وضع موجود و در نهایت ارائه اصول کاربردی برای طراحی سیما و منظر و سلسله‌مراتب فضای درونی بپردازد.

## پیشینه تحقیق

پژوهش در موضوع مساجد معاصر و چالش‌ها و تنگناهای هویتی آن امروزه توجهات زیادی را در حوزه برنامه‌ریزی شهری و معماری به خود اختصاص داده است. بررسی رابطه صورت و معنا، بازشناسی عناصر کالبدی مساجد سنتی در نمونه‌های معاصر و جستجوی راهکارهای خوانش مساجد معاصر از جمله عمده‌ترین این پژوهش‌ها بوده است. به‌عنوان مثال، حمزه‌نژاد و عربی (۱۳۹۳) میزان انطباق شکل و کالبد مساجد جدید را با مبانی حکمت اسلامی مورد بررسی قرار داده‌اند. مهدوی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۳) گرایش‌های طراحی مسجد در دوران معاصر را بازشناسی و طبقه‌بندی نموده‌اند. دباغ و مختاباد (۱۳۹۴) به ارائه مدل نشانه‌شناسی معماری جهت خوانش مساجد تهران معاصر پرداخته‌اند. گلستانی و همکاران (۱۳۹۵) نقش جلوخان در مساجد دیروز و امروز را از دیدگاه قرارگاه رفتاری بررسی کرده‌اند. هدف تحقیق حاضر، ارزیابی مساجد شهری معاصر با تأکید بر یکی از مهم‌ترین رسالت‌های مسجد یعنی خصلت دعوت‌گری است. از آن‌جا که دعوت‌گری از سویی با مبانی تفکر اسلامی و از سویی دیگر با پذیرندگی و حضورپذیری فضای معماری در ارتباط است، لذا پیشینه

پژوهش نیز در هر دو حوزه مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به موضوع پایه در این پژوهش که تأثیر فرم، کالبد و معنای فضا بر حضورپذیری و دعوت‌کنندگی است؛ موضع‌گیری‌های نظری در این خصوص را می‌توان در رویکردهای زیباشناسانه، پیکرشناختی و رفتار محیطی خلاصه نمود.

بررسی حضورپذیری فضا در حوزه عملکردهای شهر و معماری بسیار مورد توجه پژوهشگران این عرصه بوده است. کالن (۱۹۶۱) بر اهمیت انسان و حضور او در منظر شهری تأکید می‌کند. یان گل<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) معتقد است طراحی ساختمان‌ها به جای آن که هدف باشد؛ باید به ابزاری برای تکمیل طراحی فضای همگانی تبدیل گردد. به نظر وایت<sup>۲</sup> (۱۹۸۰)، مردم از فضاهایی استقبال می‌کنند که در آن آسوده باشند و از فضاهایی که چنین نباشد؛ می‌گریزند. بیکن (۱۹۶۷) نیز در خصوص ویژگی‌های فضای پرکشش و دعوت‌کننده می‌نویسد: طراح می‌تواند با فرم معماری خود، حرکت مردم را به مسیرهای حرکتی و مکث‌های هدفمند رهنمون شود و با این کار بر چگونگی پاسخ‌های آنان تأثیر بگذارد. به گفته الکساندر (۱۹۷۷) هویت هر مکان از تکرار پی‌درپی الگوهای ویژه از رویدادها در آن مکان حاصل می‌شود. به باور او ادراک ما از فضا به الگوی رویدادهایی بستگی دارد که در آن جا رخ می‌دهد. راپاپورت در خصوص پذیرا بودن فضا بر دو مقوله انتظام فضایی و خاطره بصری تأکید دارد. او با انتقاد از بی‌کرانگی فضاهای شهری امروز، شهرهای مسلمان‌نشین را تحسین می‌کند که برای دسترسی به مکان‌ها، محدودیت‌ها و سلسله مراتب فضایی در نظر داشته‌اند؛ همچنین وی بر جنبه‌های تداعی‌کننده محیط تأکید داشته و معتقد است انسان‌ها معنای مکان را برای جنبه‌هایی از محیط که در خاطرشان می‌ماند قائل می‌شوند (پاکزاد ۱۳۹۳، ۳۸۷). لنگ با اشاره به معناداری محیط و تبدیل‌پذیری رفتار منطبق بر تبدیل‌پذیری فضا، درباره تغییر الگوهای رفتاری از طریق تجربه محیط‌های کالبدی توضیح می‌دهد و معتقد است محیط کالبدی برخی رفتارها را به اجبار به انسان تحمیل می‌کند؛ به عبارتی بین جنبه‌های کالبدی و الگوهای رفتاری، رابطه ویژه‌ای وجود دارد (همان ۵۳۴).

## روش تحقیق

تحقیق حاضر از حیث هدف، کاربردی و از بعد روش، تحلیلی-تطبیقی مبتنی بر تحلیل محتوا است. با توجه به مطالعه اسناد و مدارک مساجد معاصر و همچنین حضور در سایت برخی نمونه‌های موردی، روش گردآوری اطلاعات، میدانی-کتابخانه‌ای است. این پژوهش، در سه گام اساسی انجام شده است: ۱. بررسی پیشینه و چارچوب نظری که به کمک آن بتوان معیارهای تحقیق را جهت سنجش و ارزیابی خصلت دعوت‌گری





خالصانه بانیان آن است. «منظره مناره‌ها و گنبد‌ها با تمایز خود، چه از لحاظ شکل ظاهری و چه از لحاظ ارتفاع، و چه به سبب نقوش و رنگ‌ها، تجلی خاصی دارد که پیام آن، دعوت و فراخوانی است» (شکاری ۱۳۸۱، ۴۳). نکته مهم آن که انگیزه اصلی منع ساکنان شهر از احداث ابنیه مرتفع‌تر از بنای مسجد در احکام و تعالیم دین، پرهیز از کاهش شدت این دعوت است. «مساجد در معماری سنتی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به واسطه ویژگی سیالیت خود، مرحله به مرحله ناظر را دعوت به تجربه حرکت از درجات پایین تا به درجات عالی‌تر می‌نماید» (أصفی و همکاران ۱۳۹۶، ۷۵). کلیت مساجد ایرانی از نظم جزئی تا انتظام کلی، تجسم کالبدی کمال است و حاضران در فضا را دعوت به جستجوی کمال و برخاستن از خواب غفلت نموده و خود در این مهم نقش تسهیل‌کننده را ایفا می‌کنند. ناظر فضا از تشویب‌های دنیای بیرون به آرامش و خلوت دنیای درون مسجد فراخوانده می‌شود تا در این خلوت ستودنی به ذات و باطن خود بیشتر توجه کند و با هر بار تجربه این فضای دعوت‌کننده و تعلق خاطر آفرین، مرحله به مرحله روح و جسم خود را آماده پذیرش و بالفعل کردن آن صفاتی نماید که توسط پروردگار در نهادش وام گذاشته شده است (أصفی و همکاران ۱۳۹۶، ۷۹). بدین ترتیب، با توجه نمودن به نشانه‌های کالبدی، برنامه‌ریزی فعالیت‌ها و انطباق دادن آنها با اصول عبادی در مکانیابی، شناسه‌های مهم تعریف‌کننده مسجد در محیط، مشخص و جذب افراد میسر خواهد شد.

مساجد معاصر استخراج کرد. ۲. انتخاب و بررسی نمونه‌های موردی؛ به طوری که از طریق بررسی وضعیت موجود، بتوان وضعیت مطلوب را توصیف و راهکارهای دستیابی به آن را ترسیم کرد. ۳. تحلیل داده‌ها و پاسخگویی به سؤال اصلی تحقیق. پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع، از نوع کیفی و رویکرد آن ارزیابی وضع موجود بر پایه تحلیل محتوای داده‌های به دست آمده از مطالعه چارچوب نظری و تطبیق اسناد است.

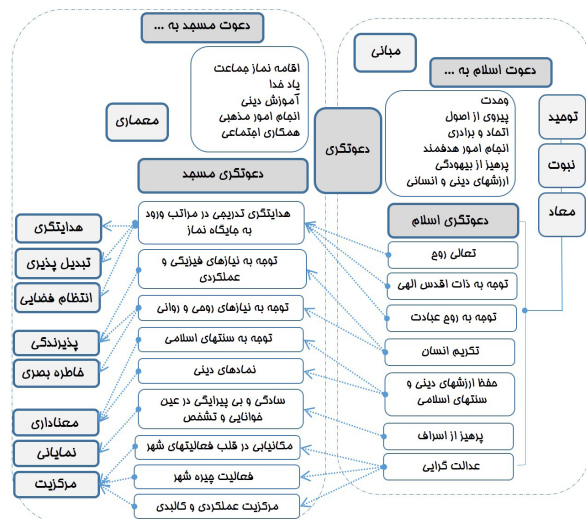
### اهداف و سوالات

این پژوهش با هدف دستیابی به چارچوبی مفهومی و اصولی کاربردی، سعی دارد فرایند مطلوب در زمینه ارتقای کیفیت دعوتگری مساجد معاصر را ارائه نماید و در این راستا، به دنبال پاسخ سوالات زیر است: الف) چگونه می‌توان حس دعوت‌کنندگی را در ساختار شهری، منظر ورودی و فضای درونی مساجد معاصر ارتقا بخشید؟ ب) مؤلفه‌های مؤثر بر حضورپذیری محیط کالبدی شهر و معماری که بتوان برای ایجاد کیفیت دعوتگری فضاهای مذهبی در کالبد، کارکرد و معنا از آنها استفاده کرد؛ کدام است؟ ج) چه عناصر کالبدی، ویژگی‌های کارکردی و عوامل معنایی در طراحی مساجد معاصر، قابلیت بیش‌تری در تقویت حضور را داراست؟

### چارچوب نظری دعوتگری

آنچه به عنوان دعوتگری مساجد در قرآن کریم مورد توجه قرار دارد، تلاش برای «عمران و آبادانی» (بقره/۱۱۴) و رونق و سرزندگی این بنای مهم اسلامی است که در قالب هشدار به مؤمنان و برحذر داشتن آنان از «متروک و ویران شدن» مساجد (حج/۴) مطرح شده است. بدیهی است نیل به چنین هدفی، علاوه بر راهکارهای اجتماعی، بازنگری در اصول معماری مسجد را نیز می‌طلبد. اولین گام در این زمینه، تعریف فضای دعوتگر و شناخت ویژگی‌های آن است. فضای دعوتگر فضایی است که بر مبنای تذکرات و آگاهی انسان بنا گردیده باشد. موسوی (۱۳۹۳) مسجد را در عین سادگی، نوعی پیچیدگی اسلامی نهفته و رمزگونه می‌داند؛ و اثر معماری هنرمند را تجلی الله عنوان می‌نماید. معماری باید همگان را به توجه به رستاخیز سوق دهد. از آنجا که درون انسان فطرتاً میل به عالم بالا دارد، لذا هدف معماری دعوتگر نیز رسیدن به اوج و آسمان و خداست. پیشوایی (۱۳۹۲) معماری را واسطه ذکر دانسته و برخی از ابنیه را دعوت‌کننده به ذکر خدا می‌پندارد؛ وی هم‌چنین ذکر را به عنوان ویژگی مکان مطلوب برمی‌شمارد (پیشوایی و قیومی بیدهندی ۱۳۹۲، ۳۲).

مساجد دارای نقش کلیدی در زنده نگهداشتن مفاهیم دینی و دعوت مردم به سوی پروردگار و نیز یادآور اعتقادات

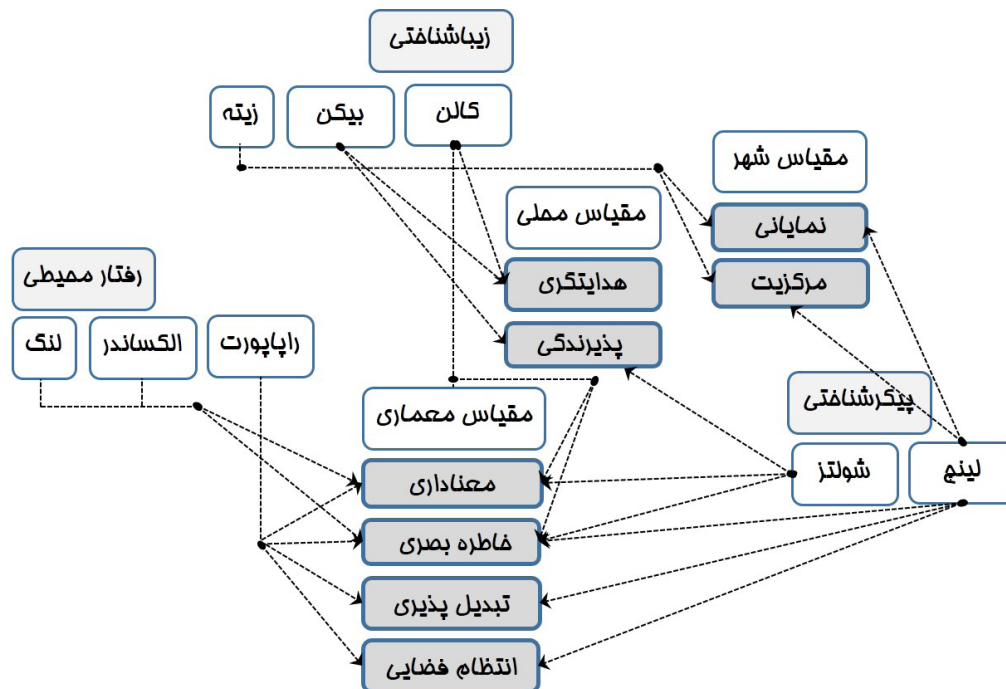


نمودار ۱. دعوتگری در اسلام و چگونگی نمود آن در طراحی مسجد در قیاس با معیارهای پژوهش (مأخذ: نگارنده)



فعالیت‌های اختیاری و اجباری، فضای دعوتگر را فضایی با قابلیت پذیرش فعالیت‌های اختیاری معرفی می‌کنند (گل ۱۹۸۷، ۸۱). از دیگر شاخص‌های فضاهای دعوت‌کننده، دسترسی آسان و خطوط ارتباطی گویا (کار<sup>۵</sup> ۱۹۹۲)؛ مرکزیت کارکردی (لنگ ۱۳۹۵) و «سلسله‌مراتب» مطلوب در ورود به فضا (فلامکی ۱۳۹۲) است. به عبارتی، مطلوبیت مسیر برای پیاده‌ها و امکانات برای سواره‌ها جهت دسترسی به یک مکان، در ارتقای دعوت‌کنندگی آن مکان مؤثر است. سایر محققان، عوامل ماهوی محیط چون «خاطره‌انگیزی»، «شان مکان» و «معناداری فرم» را در پذیرا بودن محیط برای انسان مؤثر می‌دانند (لی<sup>۶</sup> ۱۹۷۰؛ جیکوبز<sup>۷</sup> ۱۹۶۱؛ آرنه‌ایم<sup>۸</sup> ۱۹۹۷). گل معتقد است شیوه طراحی محیط کالبدی بر دعوت‌کننده بودن آن به لحاظ تعداد وقایع، تعداد افراد استفاده‌کننده، طول مدت فعالیت و نیز نوع فعالیت تأثیرگذار است (گل ۱۹۸۷، ۵۱). اینکه چگونه یک مکان می‌تواند مخاطبان خود را از فضای شهر تا مقیاس همسایگی و فضای درونی معماری به سوی خود فراخواند؛ با عوامل متعددی مرتبط است که به طور اجمالی در نمودار ۲ معرفی شده است.

**دعوتگری از مقیاس شهر تا مقیاس درونی بنا**  
در بحث از دعوتگری، «مفاهیم اجتماع‌پذیری و اجتماع‌گریزی فضا بیانگر کیفیاتی است که مردم را گرد هم جمع آورده و یا از هم دور می‌سازد (اوسماند<sup>۲</sup> ۱۹۵۷، ۲۶). حال به‌منظور مطالعه تعاملات جمعی در فضا مفاهیمی هم‌چون اجتماع‌پذیری را مورد مطالعه قرار داده است؛ در مطالعه وی محیط‌های اجتماع‌پذیر موجب تشویق و ترغیب افراد به آن فضاها و تعاملات جمعی می‌گردند (هال ۱۳۹۶، ۱۵۲). محیط دارای ویژگی‌های گوناگون عملکردی و معنایی است که باهم رابطه‌ای درونی دارند (مکاندرو ۱۳۸۷، ۳۳۳). واژگان گذار و حضور از دیگر مقولاتی است که با دعوتگری و پذیرا بودن فضا در ارتباط است. فضای گذار جهت حرکت و فضای حضور جهت مکث و تأمل سازمان می‌یابد. با این حال، میان این دو مقوله مرز مشخصی وجود ندارد؛ به عبارتی، فضای دعوتگر می‌تواند ساختار گذر و مکث را به صورت توأمان دارا باشد. برخی صاحب‌نظران، «پذیرندگی محیط» را با پاسخ‌دهی برابر دانسته و به کیفیاتی چون خوانایی، نمایانی، امنیت، تأمین قلمرو و ساختار منسجم اشاره دارند (مونتر و اویلا<sup>۴</sup> ۲۰۰۱). برخی ضمن تشریح و تفکیک



نمودار ۲. جمع‌بندی نظریات پیرامون عوامل مؤثر بر دعوتگری فضا (مأخذ: نگارنده)



### کیفیات دعوت‌گری در منظر ورودی

فضا و منظر ورودی از سویی می‌تواند بستری مناسب جهت درک بهتر بنا برای فرد مهیا نماید و از سوی دیگر زمینه شکل‌گیری تعامل را برای اجتماع فراهم سازد. حلقه مهم ارتباطی در هر فضای شهری و معماری، ورودی است که در درجات متعددی ظاهر می‌شود. هر ورودی به‌عنوان مفصل مهم ارتباط با بنا می‌تواند از دو منظر عینی و ذهنی برای افراد تعریف گردد. منظر عینی شامل مؤلفه‌های فیزیکی از قبیل بدنه خارجی، مصالح کف، اختلاف سطوح، عناصر طبیعی و... بر منظر ذهنی که شامل مؤلفه‌های ادراکی و معنایی فضا است مقدم بوده و بر آن‌ها تأثیرگذار است. به این ترتیب، توانمندی فضا در پذیرش و دعوت نمودن مخاطبین و ایجاد انگیزش و اشتیاق به ورود، از انتظاراتی است که غالباً در مورد ابنیه فرهنگی و مذهبی حائز اهمیت است. دعوت‌کنندگی ورودی بسته به سطح کنش بین مؤلفه‌های ذهنی و عینی در هر کاربری شهری قابل تغییر است و انتظارات خاصی را می‌طلبد. به این ترتیب، نما و بدنه خارجی هر بنا به‌عنوان معیار سنجش دعوت‌کنندگی آن از سوی ناظران مورد مشاهده قرار می‌گیرد. «نمای بناها، به عنوان حد فاصل بین فضای داخلی و خارجی، اغلب موضوع ارزیابی عابران است. نما وجه خارجی بناست که ارزش و ساختار آن را نشان می‌دهد (هوگستابل<sup>۹</sup> ۲۰۰۴؛ نقل شده در الساغر محمود<sup>۱۰</sup> ۲۰۱۱، ۴)؛ به‌گونه‌ای که ارتباط بین فضای داخلی و خارجی کالبد بنا بر اساس آن شکل می‌گیرد (هیاشی<sup>۱۱</sup> ۲۰۰۴؛ نقل شده در الساغر محمود ۲۰۱۱، ۴) و تأثیر برجسته‌ای بر سیمای شهر دارد؛ لذا در بحث از دعوت‌گری، بیش از هر بخش دیگری از بنا مورد توجه قرار دارد.

### مساجد معاصر و دعوت‌گری

بی‌تردید، تا سده اخیر، مسجد شاخص‌ترین کالبد معماری ایران و معرف آن بود؛ اما از سده گذشته تاکنون، مساجد کوچک و بزرگ بسیاری در حاشیه خیابان‌ها احداث شده‌اند که با افزودن نشانه‌هایی غیراصیل و حتی به سبک خانه‌های مجاور قادر به خلق مکانی دعوت‌گر و پذیرای مؤمنان نمازگزار نیستند. از موضوعاتی که در طرح اکثر مساجد معاصر به چشم می‌خورد؛ عدم توجه به منظر ورودی و پنهان نمودن آن با نمای کاربری‌های تجاری است. این نماها کاملاً مستقل و منتزع از تأثیرات جانبی اعم از همجواری با مسجد و نوع رویدادهای پیرامون آن طراحی می‌شوند. در این نوع طراحی اولین مسأله مهمی که از دست می‌رود؛ مفهوم ورودی به معنای فضای واسط بیرون و درون است.

فضاهای ورودی مساجد، علی‌رغم وظیفه مهم خود در قبال دعوت و پذیرش‌گری مسلمین، غالباً به این نیاز به درستی پاسخگو نبوده و نقش مسیری برای گذر را ایفا می‌کنند.

حال آن‌که در طراحی مساجد سنتی، منظر ورودی به‌عنوان فضایی با کاربری هم‌زمان گذر و مکث طراحی می‌شده است. در واقع این فضاها به جای آن که مردم را به مکث و حضور و برقراری مرادوات اجتماعی دعوت کنند؛ به عبور تشویق می‌کنند و در نتیجه نمی‌توانند رسالت اصلی خود را که دعوت از مسلمین به پرستش و عبادت و یاد خداست به انجام برسانند. در صورت بی‌توجهی به این موضوع، قابلیت‌هایی چون تجربه برخورد با دیگران، حس تعلق به جامعه، دیدارهای چهره به چهره و فرصت تعاملات اجتماعی نیز از این فضاها حذف شده و منظر ورودی این اماکن برخلاف جلوخان مساجد سنتی، کارکرد اجتماع‌پذیری خود را از دست خواهند داد. «این بی‌توجهی‌ها ناشی از سهل‌انگاری معماری معاصر ایران، عدم تحلیل و شناخت معماری سنتی و به کار بردن بی‌قید و بند مدل‌های غربی است» (فلامکی ۱۳۹۲، ۶۰). با این حال، تمامی مساجد معاصر به نحو یکسان قادر به پاسخ‌دهی به نیازها نیستند و عوامل متعددی در ارزیابی آن‌ها مؤثر است. به این معنا که بسیاری از مساجد با هزینه بسیار اندک توسط اهالی هر محل و با هدف برپایی نماز جماعت احداث می‌شوند. در ساخت این مساجد، توجه خاصی به معماری بنا و کاربرد عناصر تاریخی مانند گنبد، مناره و ایوان مشاهده نمی‌شود و تمایز بنای عبادی از کاربری‌های مجاور، تابلو و حتی‌الامکان کاشی‌کاری اطراف ورودی است. با این حال، از آن‌جا که چنین مکانی تبلور واقعی خواست مردم در شکل‌دهی به حداقل مکان اقامه نماز در بستر شهر معاصر با خصلت اصالت‌طلبانه برج‌های تجاری و فضاهای تفریحی است؛ واجد ارزش بوده و لذا در ارزیابی، نمی‌توان این‌گونه مساجد را کاملاً مردود دانست.

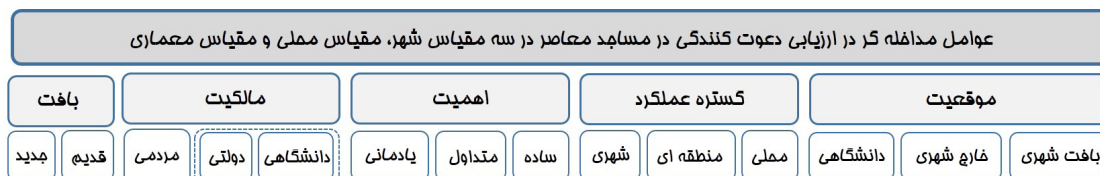
در مساجد دانشگاه‌ها، طراحان نگاهی متفاوت و بعضاً همسو با گرایش‌های معاصر داشته‌اند. برخی از معماران، ایده‌های نوگرایانه را که با ارزش‌های اسلامی منطبق است؛ در ساخت مسجد به کار برده‌اند؛ «تأکید بر عملکرد و پرهیز از تزئینات، سادگی و خلوص بنا و به حداقل رساندن مصالح ساختمانی از جمله ایده‌های این‌گونه بناهاست» (بانی مسعود ۱۳۹۰، ۵۱۴-۵۱۲). در ساخت این مساجد، معاصرسازی فرم و فضای مساجد تاریخی یکی از اهداف مد نظر بسیاری از معماران بوده است. این مساجد به دلیل قرارگیری در محیط دانشگاهی دارای کارکردهای متفاوت با مساجد بافت شهری است؛ سخنرانی‌ها و مراسم دانشگاهی، مطالعه و مباحثه علمی، کارهای گروهی و حتی استراحت از این‌گونه عملکردها است.

اما کارکرد اصلی بسیاری از مساجد شهری معاصر، سالیانی جهت انجام مراسم ترحیم است و سایر کارکردها حتی انجام فرائض در آن‌ها کاملاً کمرنگ به چشم می‌خورد. گروه دیگری از مساجد نیز که یادمانی تلقی می‌شوند؛ بنا به دلایل مختلف، بستر ظهور و بروز مساجد متنوع



عملکرد، اهمیت، مالکیت و نوع بافت در میزان موفقیت آن‌ها مؤثر بوده و لازم است در ارزیابی مورد توجه قرار گیرد.

شده‌اند. هریک از گونه‌های ذکر شده از مساجد ساده، متداول، دانشگاهی، و یادمانی دارای کیفیات متفاوتی از جنبه دعوتگری هستند که عواملی از قبیل موقعیت، گستره



نمودار ۳. عوامل مداخله‌گر در سنجش خصلت دعوتگری مساجد معاصر (مأخذ: نگارنده)

### مرکزیت

در شهر ایرانی، مساجد دقیقاً در نقطه کانونی ساختار هندسی شهر قرار داشته و این موقعیت در بافت محلات نیز برای مساجد محفوظ بود. گاهی مسجد، نه در ساختار هندسی بلکه در نظام عملکردی شهر، مرکزیت داشت. به طوری که شهروندان می‌توانستند در الگوی سازمان‌یافته و سلسله‌مراتب منظم شهر، به فضاها و عملکردهای عمده شهری با مرکزیت مسجد دسترسی یابند. تحقق این‌گونه از کارکرد عبادی، بالاترین سطح کارایی را به لحاظ دعوتگری و تقویت حضور افراد داراست. به گفته لنگ، «مرکزیت کارکردی به سهولت دسترسی به امکانات مشترک گروهی، دفعات و زمان بالای استفاده از قرارگاه‌ها یا مکان‌های رفتاری مربوط می‌شود» (لنگ ۱۳۹۵، ۱۷۹).  
با توجه به این واقعیت که «فعالیت در جایی رخ می‌دهد که پیش از این، فعالیتی اتفاق افتاده باشد» (گل ۱۹۸۷، ۷۷)؛ لذا تحقق این امر سبب تداوم و پایداری حضور کاربران و برقراری روابط و تعاملات اجتماعی در فضا و منظر ورودی خواهد شد. تأکید بر استقرار مساجد در زمین‌هایی با سابقه رخداد وقایع بااهمیت تاریخی، در متون دینی هم مورد توجه قرار داشته است؛ چنان‌که ذکر برپایی مسجد در مکان غار اصحاب کهف در قرآن کریم (کهف/ ۲۱) این موضوع را تأیید می‌نماید.

### دعوتگری در مقیاس محلی

#### پذیرندگی

بر اساس دیدگاه لارس لراپ (۱۹۷۲) ایجاد فضایی که در مقیاس محلی، پذیرای اقشار مختلف باشد؛ مستلزم ساختار منسجم، تداوم و خوانایی است. او هم‌چنین وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش محیطی را از دیگر عوامل پذیرندگی محیط می‌داند (نقل شده در مونتر و آویلا ۲۰۰۱). علاوه بر این، وجود عناصر طبیعی در فضا از عوامل افزایش دعوت‌کنندگی و ایجاد تجربه‌های خوشایند برای افراد و ارتقای حیات جمعی دانسته شده است (دانشگرمقدم و دیگران ۱۳۹۱، ۲۹).

### یافته‌های تحقیق

معیارهای اصلی تحقیق مستخرج از مبانی نظری که در نمودارهای ۱ و ۲ از جهات گوناگون بررسی گردید؛ در این بخش مفصلاً در خصوص دعوتگری بازشناسی خواهد شد. این معیارها شامل ۱. نمایانی و مرکزیت در مقیاس شهری، ۲. پذیرندگی و هدایتگری در مقیاس محلی، ۳. معناداری و خاطره بصری در جداره‌های خارجی و منظر ورودی، ۴. تبدیل‌پذیری و انتظام فضایی در فضای درونی مساجد است.

### دعوتگری در مقیاس شهری

#### نمایانی

بنا به گفته «بران» در محیط آشفته و به ظاهر فاقد تشخیص از نظر بصری، نشانه‌هایی ساده، توجه کاربران را جلب می‌کند و مرجعی آشنا در شناخت سیمای مکان خواهد بود (به نقل از لینچ ۱۳۹۲، ۲۲۸). لینچ درباره نقش اجتماعی محیط نمایان و ارتباط آن با خاطره بصری می‌نویسد: محیطی که نام آن بر سر زبان‌هاست، برای مردم خاطرات و سمبل‌های مشترک به وجود می‌آورد که این خود سبب پیوستگی آنان است و ارتباط متقابل را تأمین می‌دارد (لینچ ۱۳۹۲، ۲۳۰).

در این‌جا لازم است ذکر شود که «پاره‌ای اوقات جهت کلی، اساس نظام محیط را به وجود نمی‌آورد بلکه جهت همه عوامل نسبت به یک یا چند کانون که در شهر اهمیت یافته‌اند تعیین می‌شود» (همان، ۲۳۷). این موضوع علاوه بر ارتقای نمایانی و دعوت‌کنندگی بنا، خوانایی فضای شهری را به دنبال دارد. پاکزاد نیز حرکت در شهر بدون گم‌گشتگی را از خواست‌های اولیه هر شهروندی می‌داند. به اعتقاد او هر شهروند در هر لحظه می‌خواهد بداند کجاست و چگونه به مقصد خود خواهد رسید. در طول مسیر چه نقاط شاخصی وجود دارد و چگونه جهت‌یابی کند تا سردرگم نشود (پاکزاد ۱۳۸۸).





غوغای فعالیت‌های نامتناسب شهری مصون باشند. در خطوط ارتباطی منتهی به مسجد باید از کاربرد تابلوهای تبلیغاتی روح آزار که یادآور مصرف‌گرایی و جنبه‌های مادی زندگی است؛ احتراز شود؛ همچنین راه‌های آن باید مناسب حرکت معلولان و ناتوان‌ها باشد. تیبالدز محیط‌های شهری موفق در مقیاس محلی را محیط‌هایی می‌داند که عابران پیاده را به حرکت ترغیب می‌کنند. همچنین معتقد است ساختمان‌هایی که دارای اجزایی مانند طاقگان‌ها، راهرو و حیاط‌های مرکزی هستند، مردم را به حرکت در میان این اجزا هدایت می‌کنند؛ چرا که قدم زدن از میان آن‌ها و دیدن مناظر اطراف برای عابران پیاده جذاب است (تیبالدز ۱۳۸۷، ۷۶).

در بحث دعوت‌گری مساجد ضروری است که به هدایت‌گری از هر دو جنبه ویژگی‌های کالبدی و اهداف معنوی آن توجه شود. به اعتقاد کار (۱۹۸۲) راهیابی آسان به فضاها و اماکن عمومی به معنای «پذیرا بودن حضور اجتماعی افراد» است (کار ۱۹۹۲). با این حال، راهیابی به تنهایی نمی‌تواند واجد کارایی زیادی باشد. مکان‌های با دسترسی آسان زمانی مفید واقع می‌شوند که به حق انتخاب و جریان اعمال تجربه‌ها سمت و سو بدهند. بدین روال، گوناگونی به ویژه گوناگونی استفاده، دومین کیفیت کلیدی محسوب می‌گردد (بتنلی و همکاران ۱۳۸۷، ۶). به عبارتی، گوناگونی که ذیل پذیرندگی به آن اشاره شد و هدایت‌گری هر دو در مقیاس محلی، فضای دعوت‌کننده را فراهم می‌کنند.

### دعوت‌گری در مقیاس معماری معناداری

منظور از معنای یک محیط، وضوح در درک و شناخت آن محیط است؛ به طوری که بتوان میان عناصر و اجزای آن با سایر رویدادها و مکان‌ها در قالب یک تصویر ذهنی منسجم از زمان و مکان به سهولت ارتباط برقرار کرد و در این ارتباط، ابعاد غیرفضایی و ارزش‌ها را نیز دخیل نمود (لینچ ۱۳۹۲، ۲۴۰). طبق مباحث زیباشناسی، همواره بین فرد و مکان، مجموعه‌ای از پیام‌ها در قالب نشانه‌های ظاهری و معنایی رد و بدل می‌شود (گروتز ۱۳۹۰، ۵۰۲-۵۰۱)؛ که این پیام‌ها باعث قضاوت حسی نسبت به مکان در فرد ناظر شده و در تداوم حضور فرد (پروند و تولایی ۱۳۷۶، ۴۲) در فضای از پیش تجربه شده بسیار تأثیرگذار است.

آرنه‌ایم (۱۹۹۷) معتقد است که ساختمان‌ها دارای کیفیت‌های بیانگر منبعث از شکل فیزیکی خود هستند. به عقیده وی فرم‌ها دارای ارزش و مفاهیم و معانی خاص هستند که قابل درک و شناخت برای همه استفاده‌کنندگان است و این مفاهیم رابطه مستقیم با شکل بنا دارند. از سوی دیگر، سنوگرس<sup>۱۳</sup> (۱۹۸۶) توضیح می‌دهد که تجربه فیزیکی، تأثیر احساسی بر انسان نهاده، حالت احساسی عمومی وی را دگرگون می‌کند (سنوگرس و دیگران ۱۹۸۶،

پذیرندگی یک مکان در مقیاس محلی با فعالیت‌ها و کاربری‌های پیرامون خود نیز مرتبط است؛ برخی فعالیت‌ها به فضاهای عمومی تشخص بخشیده، بر تأمین آسایش و امکان لذت بردن مردم از حضور در فضا تأثیرگذار است. به گفته یان گل (۱۹۸۷) فعالیت‌های اختیاری در صورت دعوت‌گر بودن محیط رخ می‌دهند و به کیفیت فضا وابسته هستند. برخی محققان معتقدند آنچه بر پذیرا بودن فضا جهت حضور افراد مؤثر است؛ افزایش قابلیت فضایی برای انجام فعالیت مشترک به صورت فعال و غیرفعال از طریق ایجاد احساس رضایت از ماندن در فضا است (به نقل از محمدی و آیت‌اللهی ۱۳۹۴، ۹۴). لراپ (۱۹۷۳) نیز یکی از مشخصه‌های فضای کالبدی موفق را ویژگی اجتماعی آن می‌داند. همچنین وایت (۱۹۸۰) فضای دعوت‌گر را «فضایی سرزنده» می‌داند که مردم داوطلبانه و با رغبت در آن حضوری همیشگی می‌یابند (وایت ۱۹۸۰، ۳).

این موضوع از سوی تعالیم دینی و حتی عرفانی هم مورد تأکید قرار گرفته است. چنان‌که مولانا یاران خود را از خلوت و گوشه‌نشینی برحذر داشته و به جمع‌گرایی فرامی‌خواند (مولوی ۱۳۷۱، ۷۲) و معتقد بود که جمع‌گرایی رحمت است و فردگرایی عذاب<sup>۱۴</sup>؛ او بسیاری از مکان‌ها، از جمله خانه کعبه، مسجد جامع و مدرسه را به همین دلیل مطلوب می‌شمرد (مولوی ۱۳۸۸، ۵۲). تیبالدز (۱۳۸۷) درباره رابطه کاربری‌های پیرامونی و پذیرندگی فضا می‌نویسد: «کیفیت مردم‌پسند را تنها می‌توان از طریق آمیزه‌ای درست از کاربری‌ها و فعالیت‌ها به دست آورد» (تیبالدز ۱۳۸۷).

### هدایت‌گری

هدایت‌گری در دو بعد کالبدی و ماهوی قابل بحث است. وجه معنوی به این نکته اشاره دارد که مساجد بایستی از طریق راهنمایی انسان به ارزش‌های معنوی، نقش هدایت‌گری خویش را به انجام برسانند. هدف اصلی، انعطاف ذهن از مسائل مادی به سمت ابعاد معنوی و روحانی و آمادگی در ورود به مسجد است. وجه کالبدی در پاسخ به ابعاد ماهوی هدایت، بر ایجاد آرامش و احساس امنیت از طریق علامات و نشانه‌های بصری و شنیداری تأکید دارد. «مسیر حرکت نمازگزاران از مبدأ تا مسجد، مطلوبیت‌های ویژه خود را طلب می‌کند: همواری، آرامی، پاکیزگی، خوشبویی و وجود مراتب مختلف ایمنی» (نقی‌زاده ۱۳۸۷، ۳۵۸).

بهشتی برای هدایت‌گری مسجد به عنصر جلوخان اشاره می‌کند. از نظر او جلوخان جایی است که فعالیت رخ داده در بنا با صحنه شهر، دست به دست شده و یکدیگر را در آغوش می‌گیرند؛ به بیان دیگر در صحنه شهر که عرصه عمومی تعاملات اجتماعی است؛ جایی وجود دارد که می‌خواهد مردم را به معراج دعوت کند (بهشتی ۱۳۸۹). این موضوع با کیفیت راهیابی از فضای شهری به فضای معماری مرتبط است. مسیرهای پیاده باید از



نیز یاد شده است. ناحیه تعاملی در وضعیت نیمه‌بسته، واجد بیش‌ترین همبستگی درون و بیرون در معماری است که محل انتظار، مکث و آماده شدن برای حضور و از طرف دیگر تمهیدی فضایی برای خارج شدن از درون به بیرون است که در معماری به صورت هشتی، دالان، دهلیز و دیگر فضاهای انتظار و توقف نمود می‌یابد. هم‌چنین «تعداد عناصر منطقه ارتباطی متأثر از عواملی چون فرهنگ، اقلیم، فرم، معنا و کارکرد معرف نوع سلسله‌مراتب فضایی است که در عین حال نسبت مستقیمی با اهمیت و پیچیدگی رابطه درون و بیرون و در اصل مقدمه‌چینی برای آمادگی و تقبل جسمی و ذهنی متصرفین بنا دارد (محبوبی و همکاران ۱۳۹۵، ۵۷). مفصل محل حضور همزمان اتصال و انفصال است. از نقطه‌نظر یک مفصل، اتصال اولین موضوع ادراکی است؛ اما از نقطه‌نظر عناصر موجود، جدایی و انفصال مقدم بر اتصال است. به عبارت دیگر، عناصر موجود در مفصل ابتدا انفصال را تجربه کرده، آن‌گاه به درک پدیده اتصال رسیده‌اند (رضاخانی ۱۳۹۳، ۱۰۳). فراسکاری<sup>۱۵</sup>، نظریه‌پرداز معاصر معماری، معتقد است مفصل بیان‌کننده فرایند آشکارسازی، یعنی اتصال‌دهنده معنا به اشیاء ساخت دست بشر هستند (فراسکاری ۱۹۹۶، ۵۱۲). سمیر نیز از مفصل به عنوان اصلی‌ترین جزء ساختمان یاد کرده است (رامپتون<sup>۱۶</sup> ۱۹۹۵، ۸۶).

#### انتظام فضایی

فضاها حتی اگر اندازه و فرم آن‌ها یکی باشد؛ هرگز کاملاً هم‌ارزش نیستند (گروتر ۱۳۹۰، ۳۸۳). به عبارتی، هر فضا باید به گونه‌ای سازمان یابد که ضمن وابسته بودن به فضاهای طرفین، تبدیل آن‌ها به یکدیگر را نمایان کند. بدین نحو که حریم‌ها به ظرافت به یکدیگر تبدیل شوند تا افراد رفتارهای خود را با حال‌وهوای درون و رویدادهای آن متناسب نمایند. انتظام فضایی در مساجد مستلزم فضاهای میانجی است. وجود مفصل زمانی میان دو حریم احساس می‌شود که در یک نظام سلسله‌مراتبی به‌عنوان یک حد واسط میان دو حریم عمل نماید. ویژگی‌های این فضای تصفیه در آرامش، سکون، محصور بودن، مواجهه با نشانه‌ها، سادگی با حداقل محرک‌های حسی و حداکثر تذکرات معنوی است. پیوندهای فضایی، سیستمی منظم ایجاد می‌کند که ثبات و تغییر را ممکن می‌سازد. «اتصال فضایی به فضای دیگر از الگوی پایه‌ای ارتباط، گذر و انجام پیروی می‌کند» (اردلان و بختیار ۱۳۹۰، ۴۷). گروتر الگوهای ارتباط را برای شناخت فضاها ضروری می‌داند (گروتر ۱۳۹۰، ۲۲۶). این الگو، اجزا را میزان می‌کند و این همان مفهوم بیان عدالت در اتصال‌ها و ترکیب‌ها است (حجت و ندیمی ۱۳۶۰؛ به نقل از رضاخانی ۱۳۹۳، ۱۱۰).

۱۱۳). به این ترتیب، نقطه اشتراک معناداری و دعوتگری را در دو زمینه می‌توان دنبال کرد؛ یکی تجربه حسی و دیگری درک معانی از روی فرم‌ها و اشکال ظاهری. بر مبنای نظریه تجربه حسی سنوگرس، فرم ورودی مساجد سنتی که با دالان پریپیچ و خم، شخص را از گذرگاه تاریک به صحن روشن هدایت می‌کند؛ دلیل بر ایجاد احساس حضور قلب و تعالی روح در برابر باری تعالی است. هم‌چنین بر مبنای نظریه درون حسی فرمی - که به رابطه‌ای روشن میان برخی فرم‌ها و مفاهیم رمزی خاص اشاره دارد - چنین عنوان می‌شود که چون فرم گنبد و مناره چشم را به سوی آسمان می‌کشاند؛ رابطه‌ای میان جهان مادی زمینی و جهان معنوی آسمانی ایجاد می‌کند. «مناره یادآور شوق روح انسان به بازگشت به مبدا ازل و ابدی است که تأثیر بلاواسطه‌ای بر روح استفاده‌کننده داشته و تداعی معنایی خاص را می‌کند» (اردلان و بختیار ۱۳۹۰، ۱۰۳). بورکه‌هارت نیز معتقد است: «شکل‌های هندسی ذهن جستجوگر را از موضوعات حسی به سوی موضوعات ادراکی رهنمون می‌شود و از ظاهر به باطن شکل توجه می‌دهد» (بورکه‌هارت ۱۳۶۵، ۳۶۵). دروازه مسجد که در دو طرف آن مناره‌هایی است، اشاره به دروازه بهشت و در رحمت الهی دارد (همان ۱۷۴).

#### خاطره بصری

خاطره‌انگیزی حاصل دو رویکرد کلی نقش‌انگیزی و ایجاد محیطی مانوس است (پاکزاد ۱۳۸۸، ۱۴۴). هدمن، با اشاره به اهمیت تجربه بصری در ادراک مردم از فضا و شکل‌گیری خاطره بصری بیان می‌کند که مردم از تجربه دوباره جاهایی که از نظر ویژگی‌های بصری، پرکشش هستند و جاهایی که همواره به نظر می‌رسد روابط و تأثیرات فضایی تازه‌ای دارند؛ لذت می‌برند (هدمن ۱۳۸۵، ۷۲-۷۱). حس بینایی که خاطره بصری به واسطه آن شکل می‌گیرد، فی‌نفسه فعال و جستجوگر است (کارمونا و دیگران ۱۳۹۴، ۱۶۸)؛ و سایر حواس، مشاهده را تکمیل و دریافت پیام را تأیید یا تقویت می‌کنند (بل ۱۳۸۷).

#### تبدیل‌پذیری

«تبدیل‌پذیری<sup>۱۴</sup> دارای دو وجه بصری و معنوی است؛ اغلب برای تأکید بر تبدیل‌پذیری معنوی از ترفندهای بصری استفاده می‌شود» (گروتر ۱۳۹۰، ۳۸۳). انحناهای هدف‌دار در مرز فضاها، تورفتگی و بیرون‌زدگی، بازشوهای ارتباطی، اختلاف سطح در کف و پله‌های ورودی از این قبیل ترفندهای بصری هستند. تبدیل‌پذیری مستلزم بکارگیری فضای میانجی است. «در حرکتی چرخشی، فضای بینابین در بهره‌گیری از مبانی حاکم بر روابط فضایی، بر چگونگی سازمان فضایی مجموعه‌ها مؤثر است» (بلیلان اصل و همکاران ۱۳۹۰، ۶۸). از فضای میانجی با عنوان فضای مفصل و منطقه تعاملی





۴ مقیاس طراحی و برنامه‌ریزی دسته‌بندی شد؛ به طوری که معیارهای نمایانی و مرکزیت در مقیاس شهر؛ پذیرندگی و هدایتگری در مقیاس محلی؛ معناداری و خاطره بصری در منظر ورودی بنا و تبدیل‌پذیری و انتظام فضایی در مقیاس درونی بنا برای سنجش توانمندی مکان‌ها در پذیرش افراد و استقبال از آن‌ها و همچنین انطباق با اصول اسلامی در دستیابی به هدف دعوتگری استخراج شده و در برخی از مساجد معاصر موجود در بافت شهری تهران مورد تحلیل واقع شده‌اند.

### معرفی نمونه‌های مطالعاتی

دعوتگری مقوله گسترده‌ای است که از سویی با مبانی تفکر اسلامی و از سوی دیگر با خصوصیات پذیرشگری و دعوت‌کنندگی فضای معماری مرتبط است. لذا جهت ارزیابی مساجد معاصر به لحاظ دعوتگری لازم است عوامل متعددی در زمینه کالبد، کارکرد و معنا مورد شناسایی و تحلیل قرار گیرد. در این پژوهش پس از بازنگری نظام‌مند و جمع‌بندی نظریات پیرامون موضوع، معیارهای اصلی تحقیق در ۸ مقوله و در قالب

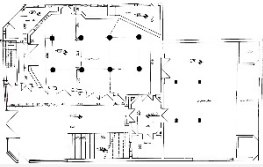

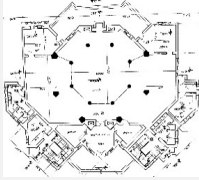
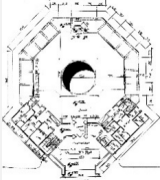


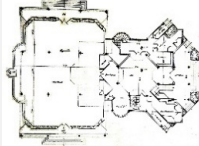
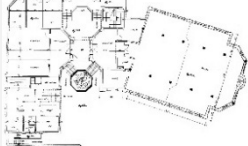



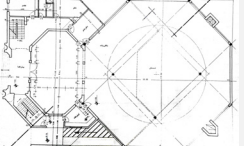
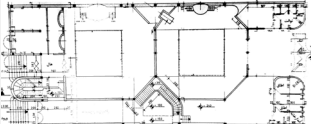



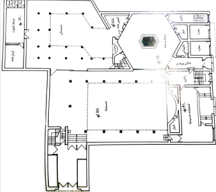

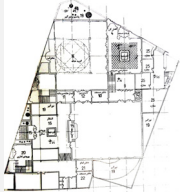
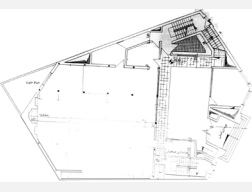
ردیف	نام مسجد	مساحت (m <sup>2</sup> )	ارتباط با ابنیه مجاور	تعداد ورودی	ریزفضاها			مساحت (m <sup>2</sup> )			نمادهای سنتی		
					دلان	هشتی	جلوخان	حیاط	جلوخان	هشتی	گنبد	منار	ایوان
۱	مسجد النور	۱۲۰۰	منفصل	۱	-	M	M	-	۱۲۰	۱۶	M	-	-
۲	امام موسی کاظم	۶۹۰	منفصل	۴	-	M	M	-	۱۱۰	۲۵	M	M	-
۳	حجت‌ابن‌الحسن	۵۳۰	نیمه منفصل	۲	M	-	-	M	۲۰	-	-	-	M
۴	ابوذر	۷۵۵	نیمه منفصل	۴	M	M	M	-	۱۲۸	-	M	M	M
۵	المهدی	۸۱۰	منفصل	۴	-	M	M	-	۱۰۰	۱۱	-	-	-
۶	شهرک ژاندارمری	۶۸۵	منفصل	۵	M	M	M	M	-	۳۰	M	M	M
۷	الزهرا	۸۲۰	متصل	۲	-	M	-	-	۱۸۰	۱۸	-	-	M
۸	مسجد النبی	۷۳۵	متصل	۱	M	-	-	M	۲۷۰	-	M	M	M
۹	حسینیه جماران	۹۹۷	متصل	۲	-	M	-	-	-	۲۵	M	M	M
۱۰	نظام مافی	۲۸۰۰	منفصل	۳	-	M	M	-	۸۳۰	۴۲۰	M	-	M
۱۱	اباذر	۹۹۰	نیمه منفصل	۳	M	M	M	-	۲۶۰	۷۳	M	-	M
۱۲	صادقیه	۱۰۰۰	منفصل	۵	-	-	-	-	-	-	M	M	M
۱۳	ضرابخانه	۷۹۰	نیمه منفصل	۳	M	M	M	-	۱۱۴	۴۰	M	M	M
۱۴	جمهوری اسلامی	۲۶۴۰	متصل	۲	M	M	M	-	-	۵۷	M	-	M
۱۵	مهرآباد جنوبی	۶۵۸	منفصل	۱	M	M	M	-	۳۰۰	۱۰	M	M	M
۱۶	الرضا	۱۱۸۸	متصل	۳	M	M	M	-	۲۲۰	۶۷	M	M	M
۱۷	میثم	۳۸۵	نیمه منفصل	۵	-	M	-	-	۸۰	۱۰	-	-	M
۱۸	شبستری‌ها	۱۵۹۰	نیمه منفصل	۳	M	M	M	-	۲۲۵	۲۵	M	M	M
۱۹	شهید بهشتی	۱۶۸۵	منفصل	۴	M	M	M	-	۳۴۵	۴۰	M	M	M
۲۰	احمدیه	۱۱۲۵	متصل	۴	M	-	-	-	۱۰۰	۱۰	M	-	M

جدول ۱. معرفی مشخصات کالبدی مساجد مورد مطالعه (مأخذ: نگارنده)



نمونه‌ها، تبیین و تشریح راهکارهای طراحی است؛ لذا سعی شده است از بین نمونه‌های هم‌سطح، مساجدی که بررسی آن‌ها در خصوص دعوت‌گری، روشن‌کننده راهکارها و یا نقاط ضعف است؛ انتخاب شوند. به این ترتیب، ۲۰ مورد از مساجد معاصر در مناطق مختلف تهران، گزینش و تحلیل شده‌اند.

از آن‌جا که عوامل متعددی در ارزشیابی میزان موفقیت مساجد مؤثر است، لذا دسته‌بندی صورت گرفته در نمودار ۳، به‌عنوان ملاک انتخاب نمونه‌ها مورد توجه قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که مساجد هم‌تراز - که به لحاظ موقعیت، گستره عملکرد، اهمیت، مالکیت و نوع بافت در یک دسته قرار می‌گیرند - ارزیابی شده‌اند. به‌علاوه هدف از انتخاب

			
ابوذر، خیابان ابوذر (فلاح)	حجت‌ابن‌الحسن، خیابان سهروردی	امام موسی کاظم، میدان نوین	مسجد النور، منظره
			
مسجد النبی، کارگر شمالی	الزهراء، آرایشهر	شهرک ژاندارمری	المهدی، شهرک چشمه
			
صادقیه، لشکرک	اباذر، میدان شهیدا	نظام مافی، شهر زیبا	حسینیة جماران
			
الرضا، خیابان آبادانا	مهرآباد جنوبی، خیابان شهید صفری	جمهوری اسلامی، سهره جمهوری	ضرابخانه، خیابان پاسداران
			
احمدیه، نارمک	شهید بهشتی، خیابان پیروزی	شبستری‌ها، میدان جهاد	میثم، اتوبان آهنگ، خیابان میثم

جدول ۲. معرفی پلان و موقعیت شهری مساجد مورد مطالعه (مأخذ نقشه‌ها: زمرشیدی ۱۳۷۴)

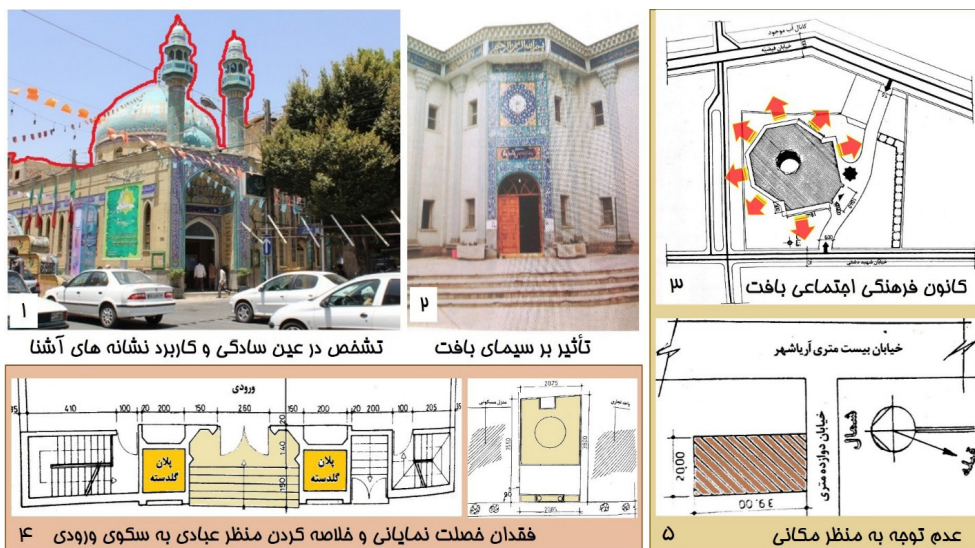




محصور شده است که تنها درب ورودی مسجد با نمای خیابان مرتبط بوده و روشنایی فضاهای داخلی نیز از طریق حیاط خلوت و حیاط درونی تأمین می شود. در بحث حاضر مرکزیت در دو ساختار کالبدی و کارکردی تعریف می شود. مکانیابی مساجد با هدف سهولت دسترسی در تمام محلات شهر و مرکزیت کارکردی در احادیث نبوی مورد توجه قرار داشته است.<sup>۱۷</sup> مرکزیت کالبدی و کارکردی در شهر معاصر بر اماکن نا آرام و پرتردد شهری منطبق بوده و از این رو با احکام اسلامی مکانیابی مساجد مغایرت دارد. به این معنا که حفظ حرمت مسجد و دعوت به یاد خدا با مراکز پرهیاهوی کلانشهر امروز در تقابل است (تصویر ۳-۱). مسجد النور، مسجد امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> و مسجد شهرک ژاندارمری نمونه این گونه مرکزیت است که با اهداف دعوتگری فاصله بسیاری دارد. از سوی دیگر، پناه بردن به معابر فرعی با هدف استقبال از مؤمنان و حفظ حضور قلب نمازگزاران، نقیصه های دیگری را در پی دارد؛ در این معابر به دلیل فشردگی بافت و کمبود زمین، امکان توسعه که از اهداف مکانیابی مساجد است؛ وجود ندارد و بدنه خارجی که شیوه طراحی آن از اهداف دعوتگری است؛ تنها از یک جبهه قابل مشاهده است (تصویر ۵-۱). برخی نمونه ها از جمله مسجد الزهرا<sup>(س)</sup> و اباذر گرچه در جداره خارجی نمای ورودی خود، با کاربرد عناصر کالبدی و معنایی، نمایانگر مکان عبادت و پذیرای نمازگزاران است؛ با این حال به دلیل قرار داشتن این وجه در معبر فرعی و بعضاً کوچه های کم عرض، فاقد خصلت نمایانی و مرکزیت هستند و این نقیصه ناشی از موقعیت و مکانیابی نادرست شهری و یا ساخت وسازهای بی رویه و بدون ضابطه در بلوک های مجاور است.

## نتایج بررسی و سنجش نمونه ها مقیاس شهر

بررسی نمونه ها نشان می دهد که نمایانی مساجد موجب شکل گیری نشانه های آشنا در برخی نقاط شهری و ایجاد محیطی مانوس می گردد که بنا به دارا بودن عناصر خوانا در شمای کلی مکان، کشش بصری را به همراه دارد (تصویر ۱-۱). غرض از خوانایی این است که به آسانی اجزای بنا را بتوان شناخت و آن ها را در قالبی به هم پیوسته به فضای شهری ارتباط داد. آنچه در این مقوله مهم است، تنها شکل ظاهری و تسلط فیزیکی نیست (تصویر ۲-۱)؛ «جزئیات ظاهری مکان باید در خوانایی الگوی کارکردهای آن هم به مردم کمک کند» (بتللی و همکاران ۱۳۸۷، ۲۲۸). نمایانی در شکل ظاهری مساجد و مجموعه عملکردهای آن ها، با دعوت کنندگی رابطه مثبت دارد؛ و می تواند به عنوان کانون فرهنگی و اجتماعی بافت شهری یا محلی ایفای نقش نماید. به عنوان مثال، فرم کالبدی و عملکردهای چندگانه آموزشی، پژوهشی و مذهبی در مسجد النور (تصویر ۳-۱) موجب تشخیص و نمایانی و تأثیر بر سیمای بافت خواهد شد. در این زمینه تأثیرات منفی و مضر که ابنیه رفیع و باشکوه بر روح و روان انسان می گذارند، باید مدنظر قرار گیرد و از ظهور آن ها پیشگیری شود. در مقابل، برخی مساجد به دلیل بی توجهی به نقاط کانونی بافت و مکانیابی نادرست، فاقد خصلت نمایانی هستند؛ و منظر عبادی آن ها، مابین کاربری های تجاری و مسکونی، تنها به سکوی ورودی خلاصه می شود (تصویر ۴-۱). این مکانیابی نامناسب به ویژه در مساجد جمهوری اسلامی، شهید بهشتی و احمدیه مشاهده می شود. به طوری که زمین مسجد احمدیه چنان با سایر کاربری های شهری



تصویر ۱. بررسی معیارهای نمایانی و مرکزیت در مساجد معاصر به لحاظ مکانیابی، فرم و عملکرد در مقیاس شهری؛  
(۱) مسجد ابوذر (۲) مسجد امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> (۳) مسجد النور (۴) مسجد النبی<sup>(ص)</sup> (۵) مسجد الزهرا<sup>(س)</sup> (مأخذ: نگارنده)



### مقیاس محلی

بررسی خصلت پذیرندگی در نمونه‌های مطالعاتی نشان می‌دهد عرضه خدمات متناسب در کنار عملکرد اصلی بنا، به تنوع فعلیتی آن افزوده و باعث حضور افراد مختلف در فضا می‌گردد؛ این موضوع در صورت کنترل مناسب بر قابلیت اجتماع‌پذیری مؤثر است. گوناگونی استفاده از زمین مساجد در کنار عملکرد عبادی، ویژگی عمده نمونه‌های مورد مطالعه بوده و این کاربری‌ها عمدتاً شامل کتابخانه، کلاس‌های آموزشی، صندوق قرض‌الحسنه و فروشگاه است (تصویر ۲-۴). این ویژگی در مساجد المهدی، ابوذر، مهرآباد جنوبی و حسینیة جماران مشاهده می‌شود. گرچه تنوع کاربری از امکانات دعوت‌کنندگی فضاست؛ اما گاهی این راهبرد به لحاظ نوع کاربری و یا موقعیت قرارگیری با دعوت‌گری مساجد مغایرت دارد؛ در مساجد اباذر، شهید بهشتی و احمدیه واحدهای تجاری غیرمرتبط، بدنه‌های خارجی و یا حتی منظر ورودی را اشغال نموده و کارکرد اصلی مسجد را مخدوش می‌سازد. وجود فضاهای تجمع و تعامل همسو با هدف دعوت‌گری مساجد و هماهنگی با اجتماع‌پذیری فضای شهری است که می‌تواند با آرام‌سازی محیط به واسطه شکل‌دهی به عرصه‌های جمعی در مسیر راهپایی به مساجد مؤثر واقع گردد. متأسفانه در بیش‌تر مساجد معاصر، چنین عرصه‌هایی حذف و یا منحصر به فضای نسبتاً کوچکی در منظر ورودی شده است (تصویر ۲-۲). به این ترتیب، برای خلق فضای پذیرا در معبر و عرصه عمومی پیش از ورود به اماکن عبادی که در این بحث با عنوان مقیاس محلی نام برده شده است؛ وجود فعالیت‌های اجتماعی متنوع و متناسب با عملکرد فرهنگی و مذهبی ضروری است؛ به گونه‌ای که بتواند رسالت دعوت‌گری مسجد را -که ضرورت تبلیغ دین و اولویت عبادات اجتماعی بر فرادا است- به انجام برساند. چنین امری مستلزم شکل‌دهی به کالبدی است که در عین واقع شدن در فضای عبوری شهر، کیفیات حضور، تأمل و مکث را از طریق ساماندهی تعاملات اجتماعی فراهم نماید. این فضا ضمن ایجاد بستری در شأن مؤمنان نمازگزار، به تبیین نقش مخاطبان و احترام به آنان در محیط پیرامونی بنا می‌پردازد؛ به این ترتیب، ذهن از طریق گذر از فضایی با تأثیرات حسی متمایز و خارج از امتداد معبر عمومی، از چارچوب ساختار شتابان شهری خارج شده و با ورود به این عرصه میانی، توسط بنا مورد دعوت قرار می‌گیرد (تصویر ۲-۱). در مقابل، در بسیاری از مساجد معاصر، برخی عملکردهای درون یا مجاور مسجد، هیچ‌گونه سنخیتی با آن ندارند. از جمله این دلایل، تأمین نیازهای مالی مسجد است. این موضوع سبب می‌شود تا مسجد در حد یک وسیله برای اهداف غیرمعنوی و غیر از آن هدفی که برایش بنا شده است؛ تنزل یابد. انجام بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی از قبیل پایگاه بسیج، کتابخانه، کلاس‌های درس،

صندوق قرض‌الحسنه، و حتی دارالشفاء سبب می‌شود تا مساجد به سمت ایفای نقش خویش آن‌گونه که درخور آن‌هاست؛ کام بردارند (تصویر ۲-۳). در خصوص هدایت‌گری، متأسفانه باید گفت فضاهای منتهی به بسیاری از مساجد معاصر که می‌تواند نمازگزاران را فراخوانده و از آن‌ها استقبال نماید؛ با استناد به گرانی زمین حذف شده‌اند. در مساجد المهدی و نظام مافی، فضایی هرچند کوچک با فراهم آوردن بستری مناسب برای این منظور، نقش خود را در سلسله‌مراتب ورودی بنا به خوبی تعریف نماید؛ و در موقعیتی که هم متعلق به مسجد است و هم در اختیار عرصه عمومی است؛ به استقبال مراجعه‌کنندگان و بدرقه خارج‌شدگان می‌پردازد. در مسجد شهرک ژاندارمیری نیز همین فضا در ارتفاع شکل گرفته است. هم‌چنین طراحی نمای خارجی شیستان مسجد المهدی و مسجد جامع ضرابخانه موجب ارتباط قوی‌تر مردم با بدنه شهری و آرامش بصری گشته است.

### مقیاس معماری

در مطالعه معناداری مساجد معاصر مشخص شد نمونه‌های مطالعاتی عمدتاً با پیروی از مصادیق سنتی، به تکرار عین به عین فرم‌های نمادین گذشته و یا به نوآفرینی نمادها در منظر ورودی مساجد پرداخته‌اند (تصویر ۳-۴). در برخی نمونه‌ها توجه صرف به فرم‌های نمادین در منظر ورودی، به غفلت از تجربه حسی ناظران در فضای درونی مسجد انجامیده است؛ به طوری که برای ورود به شیستان مسجدالتبی پس از عبور از فضایی دالان مانند که شباهت چندانی با دالان‌های مساجد سنتی ندارد؛ الزاماً ورود به شیستان از مجاور محراب و مقابل صف نمازگزاران صورت می‌گیرد که به کلی با تجربه حسی در مساجد سنتی متفاوت است (تصویر ۳-۳). در مسجد مهرآباد جنوبی، ورودی با وجود دارا بودن عناصر فرمی هشتی و دالان، ارتباطی با حیاط وسیع مسجد نداشته و به این ترتیب، حیاط به عنصری با کاربری فرعی تبدیل شده است.

فرم‌های معماری و جداره‌های شهری می‌توانند از سویی با بهره‌گیری از نشانه‌ها، تداعی‌گر خاطرات گذشته و از جهات دیگر با خلق ایده‌های نوین طراحی، خاطره‌ساز باشند. نوآفرینی اشکال معنادار در طراحی نما و حتی سازماندهی پلان نمونه‌های مطالعاتی، مشخص‌کننده بیش‌ترین توجه طراحان به این بخش از دعوت‌گری است (تصویر ۳-۱). چنان‌که پرداختن به سردرب ورودی و طراحی ردیف رواق‌ها و محراب نمادین در صحن مسجد الزهراء<sup>س</sup>، خاطره مساجد سنتی ایرانی را از مکان ورود تا رسیدن به شیستان تداعی‌گر است (تصویر ۳-۲). ویژگی‌های فیزیکی مسجد به‌عنوان مختصات‌ی که در وهله اول بر یکی از حواس انسان تأثیر نهاده و طی فرآیندی ذهنی، درک معنا و هویت معنوی شهر و جامعه را ممکن می‌نماید، از اهمیتی شایان



از حیث ابعاد، مصالح، رنگ و به ویژه از نظر ارتفاع و سایر ویژگی های کالبدی نباید ویژگی های هویتی مساجد را تحت تأثیر و سیطره خود قرار دهند.

توجه برخوردار است (نقی زاده ۱۳۸۷، ۳۹۵). این موضوع در ساختار شکلی ابنیه جانبی مسجد نیز صدق می کند؛ به این معنا که ساختمان های اطراف مساجد تا فاصله مناسبی



تصویر ۲. بررسی معیارهای پذیرندگی و هدایتگری در بدنه خارجی و خطوط ارتباطی منتهی به ورودی مساجد معاصر تهران؛ (۱) مسجد شهرک ژاندارمری (۲) مسجد النور (۳) نمای خارجی درمانگاه مسجد الزهرا (س) (۴) مسجد المهدی (ع) (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۳. بررسی معیارهای معماری و خاطره بصری در منظر ورودی و ارتباط آن با فضای درونی مساجد مورد مطالعه؛ (۱) تصویر هشتی و پلان مجموعه ورودی مسجد النور (۲) پلان و تصاویر سردرب، محراب و رواق داخل حیاط مسجد الزهرا (س) (۳) شبستان مسجدالنبی (س) (۴) شبستان مسجد شهرک ژاندارمری (مأخذ: نگارنده)

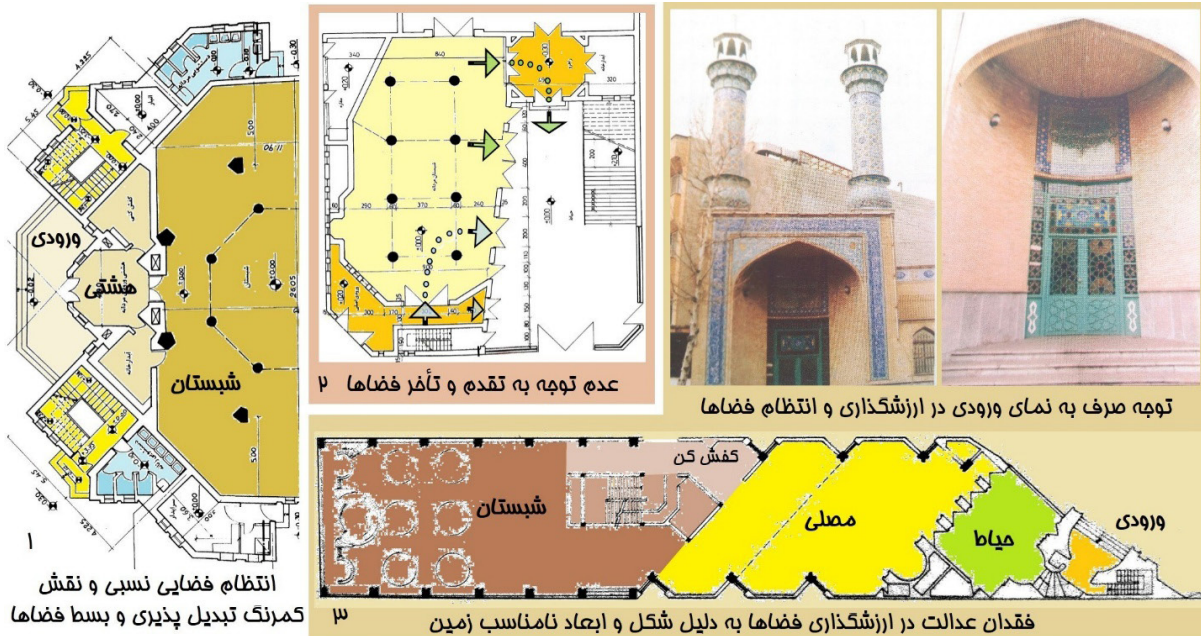


فضای میانی و نه به شکل گره ارتباطی، حفظ کرده است (تصویر ۴-۱). در بسیاری موارد، القای معانی بیش‌تر از طریق جداره بیرونی و جهت ایجاد حالت دعوت‌کنندگی و امتزاج فضایی بیش‌تر با محیط پیرامون صورت می‌گیرد (تصویر ۳-۴). در برخی موارد نیز مفصل در جایی مکانیابی شده که نقش اصلی خود را ایفا نمی‌کند؛ بلکه تنها اشاره شکلی به هشتی و دالان‌های مساجد گذشته دارد (تصویر ۴-۲).

در ارزیابی انتظام فضایی مشخص شد سلطه نگرش سوداگرانه به زمین موجب شده است زمین مساجد اکثراً موقعیت و سطحی نامناسب داشته و در نتیجه عموماً نتوانسته‌اند واجد سازمان فضایی مناسبی به لحاظ سلسله‌مراتب و فضاهای مرتبط باشند (تصویر ۳-۴). این موضوع در مساجد احمدیه و شهید بهشتی بیش از همه به چشم می‌خورد. در مسجد حجت‌ابن‌الحسن<sup>(ع)</sup>، توجه صرف به طراحی نمای ورودی و نیز ابعاد نامناسب زمین موجب از دست رفتن عدالت در اتصال‌ها و ترکیب‌های فضایی، عدم طراحی فضاهای ارتباطی و در نتیجه فقدان انتظام فضایی شده است. در مسجد ابوذر نیز سیرکولاسیون آن‌چنان مخدوش است که نمازگزار نخست وارد شبستان مسجد شده و سپس برای وضو به حیاط می‌رود (تصویر ۴-۲).

متأسفانه در بسیاری از مساجد معاصر، علی‌رغم وجود عناصر تاریخی و تلاش برای انطباق آن با تصویر ذهنی مردم از مسجد، ارائه مدلی مجلل آن‌چنان اهمیت می‌یابد که اسراف از ویژگی‌های معماری برخی بناها قلمداد می‌شود و یا در برخی مساجد، معمار از یک سو آگاهانه از شاخص‌های تاریخی معماری مسجد نظیر آرایه‌پردازی و... فاصله می‌گیرد؛ و از سوی دیگر سعی دارد مؤلفه‌های اصیل فضایی مساجد سنتی نظیر هشتی، رواق و حوض را در زبانی امروزی بازآفرینی کند. به عنوان مثال، حیاط و یا حتی شبستان، شکل هندسی هشتی را به خود می‌گیرد. به طوری که در مسجد احمدیه، پلان حیاط و در مسجد الرضا<sup>(ع)</sup>، صحن مسجد، شکل هشتضلعی را به خود گرفته است؛ در مسجد النور فرم مرکزگرای بنا نمازگزاران را در یافتن جهت قبله به اشتباه می‌اندازد و اساساً جهت‌مندی مسجد که یکی از ارکان مهم بنای ساخته شده بر زمین مسجد بوده، مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است.

در بحث از تبدیل‌پذیری یک فضا به فضای دیگر، مشاهده می‌شود که مفصل ارتباطی با وجود تمام ویژگی‌های مثبت بصری و معنوی، از سازمان‌دهی پلان بسیاری از مساجد معاصر حذف شده است (تصویر ۴-۳). هرچند در برخی مساجد کمابیش نقش کم‌رنگ خود را به عنوان



تصویر ۴. بررسی معیارهای تبدیل‌پذیری و انتظام فضایی در فضای درونی مساجد مورد مطالعه؛ (۱) پلان مجموعه ورودی مسجد امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> (۲) مسجد ابوذر (۳) پلان و تصاویر سردرب مسجد حجت ابن‌الحسن<sup>(ع)</sup> (مأخذ: نگارنده)



گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در یازده مورد از نمونه‌های مطالعاتی، مسیر راهیابی به مسجد، چه به لحاظ عملکرد و چه به لحاظ کیفیت‌های فضایی فاقد جنبه‌های هدایت‌کننده و پذیرنده است؛ و در هفت مورد، نه تنها معابر دسترسی به ورودی، حتی جداره‌های خارجی نیز مورد بی‌توجهی واقع شده‌اند؛ و به کاربری‌های غیرمرتبط اختصاص دارند.

نمایانی، خوانایی و مرکزیت کارکردی و کالبدی مساجد که از مهم‌ترین و برجسته‌ترین عوامل هدایتگر در شهر سنتی بوده است؛ کمترین سهم را در ساختار شهری معاصر داراست. به طوری که تنها شش مورد از مساجد مورد مطالعه از عناصر شاخص کالبدی جهت خوانایی و نمایانی برخوردار بودند که از بین آنها چهار مورد - مسجد نظام مافی، المهدی، امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> و مسجدالنور - موقعیت مطلوبی را به لحاظ مرکزیت در فضای شهری دارا بودند. نکته آن جاست که حتی در مواردی که به پیروی از مساجد تاریخی، مکانیابی در قلب فعالیت‌های عمده شهر صورت می‌گیرد؛ چهره شهر مصرفی، هیاهو و صدهای روح‌آزار، تجمع فعالیت‌ها در مراکز شهری و حجم ترافیک عبوری، عملکرد درونی مساجد را دچار اختلال می‌نماید. لذا جهت رفع این نقیصه و پاسخ‌دهی مسجد به نیازهای کاربران، ضروری است طراحی معماری و طراحی و برنامه‌ریزی شهری هماهنگ با یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد. در مجموع می‌توان فضای ورودی دعوتگر را فضایی دانست که از مؤلفه‌هایی چون دسترسی، کالبد، مناسب، منظر، تنوع فعالیت در منظر ورودی، جامعیت، امنیت، تعامل اجتماعی، اجتماع‌پذیری، آسایش و راحتی در حد متناسبی برخوردار باشد.

آنچه از تطبیق معیارها و سنجش آن‌ها در نمونه‌های مطالعاتی حاصل شد؛ در قالب اصول کاربردی مستخرج از معیارهای اصلی پژوهش به اختصار در جدول ۳ ارائه شده است.

### نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در تحقیق حاضر با این پیش‌فرض که ارکان طراحی مسجد با اهداف دعوتگری قابل انطباق است؛ ابتدا از روش‌شناسی اسنادی و کتابخانه‌ای با رویکرد بازنگری نظام‌مند منابع مرتبط جهت شناسایی معیارهای اصلی تحقیق بهره گرفته شد؛ و با بهره‌گیری از شیوه تحلیل محتوا، مدل مفهومی حاصل از جمع‌بندی نظریات پیرامون دعوتگری تدوین گردید. متعاقباً ضمن انتخاب نمونه‌های مطالعاتی از بین مساجد معاصر تهران با روش تحلیلی - تطبیقی، عوامل مرتبط با طراحی با تأکید بر دعوتگری به تفکیک هریک از وجوه کالبدی، کارکردی و معنایی استنتاج گردید. سرانجام با توجه به وجود اشتراک نسبی عوامل استخراج شده در گونه‌های مختلف، عوامل مذکور در قالب چهار دسته مؤلفه کلی مقوله‌بندی شدند که در قالب ۱. معیارهای نمایانی و مرکزیت در مقیاس شهری، ۲. پذیرندگی و هدایتگری در مقیاس محلی، ۳. معناداری و خاطره‌بصری در جداره‌های خارجی و منظر ورودی، ۴. تبدیل‌پذیری و انتظام فضایی در فضای درونی مساجد دسته‌بندی و تشریح شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در مساجد معاصر، عوامل خاطره‌بصری و معناداری فرم بیش از عوامل کارکردی چون انتظام فضایی و تبدیل‌پذیری مورد توجه قرار دارد تا حدی که گاه توجه بیش از حد به شکل و سیمای بنا و برداشت سطحی از عناصر خاطره‌انگیز در معماری ایران، موجب اغتشاش فضایی در سلسله‌مراتب عملکردهای داخلی مساجد شده است؛ در حالی که نکته مهم، اهمیت بخشی یکسان به دو مقوله فرم و کارکرد در معماری است که غالباً یکی از موارد فدای دیگری می‌شود. همچنین از آن‌جا که دعوتگری در ابنیه عبادی با خصلت دعوت‌کنندگی و گویا بودن منظر ورودی در کاربری‌های عمومی قابل قیاس است؛ لذا شاخصه‌های دعوت‌کنندگی چون نفوذپذیری، راهیابی و پذیرا بودن محیط با معیارهای هدایتگری در سنجش قرار

معنا	عملکرد	کالبد	معیار	مقیاس
رمزآمیزی اشکال و فرم‌ها	تناسب کاربری‌های پیرامون	تشخص در عین سادگی	تفاهیم	مکانی و شناخت بصری مقیاس شهر
قابلیت خوانش معنای مسجد بر مبنای فرم‌ها و اشکال	طراحی به شکل مجموعه شهری با عملکردهای فرهنگی و مذهبی	خوانایی تأکید بر خط آسمان		
خوانایی معنا بر مبنای صورت	چیرگی عملکردی	کاربرد نشانه‌های عبادی در مقیاس شهر		
اشاره نما بر سجده‌گاه مؤمنین	نفوذپذیری	منظر مکانی نسبت به بافت شهر	مقیاس	
تأثیر بر سیمای شهر	مکانیابی در قلب فعالیت‌های شهر	وجود گذرگاه‌های بصری از بافت شهری به مکان عبادی		
شکل‌دهی به هویت دینی شهر	سازگاری با محیط شهری	قرارگیری در نقاط کانونی		
اشاره بر مرکزیت مسجد در امور مسلمین و نمایش عدالت و برابری	کانون فرهنگی اجتماعی محدوده عدالت‌گرایی در مکانیابی			



معنا	عملکرد	کالبد	مقیاس		
			معیار	مقیاس محلی	
هدایت انسان به ارزش‌های معنوی و پالایش ذهن	عملکرد متناسب با ضرورت جامعه	هم‌سنجی مناظر و جداره‌های مجاور	هدایت‌گری	خطوط ارتباطی	
	دسترس‌پذیری	کاربرد عناصر هدایتگر از منظر ورودی تا فضای درونی بنا			
	راهیابی در فضا	کیفیات مطلوب حضور، تأمل و مکث در فضای شهری تا عبادتگاه			
انعطاف ذهن از مادیات به مسائل معنوی و روحانی	مطلوبیت مسیر برای پیاده‌ها	امکانات برای سواره‌ها	پذیرندگی		
	آمدگی برای ورود به مسجد	توجه به نیازهای انسانی			فضای تجمع افراد
	احساس رضایت از ماندن در فضا	آرام‌سازی محیط			میلان نشستن و استراحت
دعوت‌گری با کمک تجربه حسی و ادراک فرم‌ها و اشکال فضا	وجود مراتب مختلف ایمنی	عناصر طبیعی در فضای باز	معماری	نما و منظر ورودی	
	تجربه فضای خاطره‌انگیز تاریخی	کاربرد فرم‌های نمادین تاریخی			ایده‌های طراحی
	حداکثر تذکرات معنوی در فضا	حداقل محرک‌های حسی در فضا			نوافرینی نمادها و اشکال معنادار در طراحی و سازماندهی پلان
تجلی صفا و معنویت	روابط و تأثیرات فضایی خاطره‌انگیز و خاطره‌ساز عبادی	کاربرد نمادهای آشنا در جزئیات نما	خطره بصری		
	نمایش توحید و وحدانیت	سازماندهی فضاهای عملکردی یادآور مساجد تاریخی: جلوخان، سردرب، ...			مواجهه با نشانه‌ها
	ایجاد زمینه تذکر، هدایت و یاد خدا	تأثیر بر ادراک مردم از فضا			کاربرد عناصر کالبدی در شکل‌دهی به منظر پرکشش بصری
ارزش‌های دینی و انسانی	تبدیل و تغییر رفتارها هماهنگ با تبدیل فضاها	طراحی مفاصل و محصوریت فضایی	تبدیل‌پذیری	فضای ورودی	
		مفصل‌گذاری مابین فضاهای غیرهم‌ارزش			
		تعیین مرزهای کالبدی و غیرکالبدی			
ایجاد محیط مأنوس	تنظیم رابطه درون و بیرون	طراحی فضای تصمیم‌گیری و مکث در امتداد نظم فضایی	انتظام فضایی		
		مغناداری ویژگی‌های بصری			وابستگی ریزفضاها و اتصال و انفصال آن‌ها از هم
		ایجاد رغبت به حضور طولانی			سلسله مراتب دسترسی از درگاه
تأثیر بر ادراک مردم از فضا	تنظیم الگوی ارتباط، گذر و انجام	بسط فضاها به یکدیگر	فضای ورودی		
		سیر از ظاهر به باطن		بسط فضاها به یکدیگر	
		تبدیل‌پذیری معنوی به واسطه ترفندهای بصری		طراحی انحناهای هدفدار	
پالایش ذهن و آمدگی عبادت	رعایت تقدم و تأخر فضاهای درونی تا مقدس‌ترین مکان	تبدیل و تغییر رفتارها هماهنگ با تبدیل فضاها	انتظام فضایی		
		عدالت در ارزش‌گذاری فضاها		تبدیل و تغییر رفتارها هماهنگ با تبدیل فضاها	
		آداب ورود به مسجد		تبدیل و تغییر رفتارها هماهنگ با تبدیل فضاها	

جدول ۳. معیارها و زیرمعیارهای طراحی در جهت دستیابی به اصول کاربردی دعوت‌گری (مأخذ: نگارنده)

لذا تغییر مسیر فعلی مسجدها، به ویژه در زمینه تحقق شهر ایرانی اسلامی، تنها از طریق کاربست چارچوب‌های نظری در سلسله‌مراتبی منطقی از مقیاس شهر تا مقیاس معماری و صرفاً با سیاست‌های اجرایی لازم میسر خواهد بود.

### سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «مطالعه و تدوین ضوابط و معیارهای طراحی و بهسازی منظر ورودی کاربری‌های مذهبی» است که با حمایت معاونت پژوهشی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین انجام شده است.

در شرایط فقدان چارچوب کلی بر نظام طراحی و برنامه‌ریزی مسجد در ایران، بهره‌گیری از مدلی مفهومی که از هم‌نهشت نظرات پایبند به اصول اسلامی و تعالیم دینی و نظریات حوزه‌های مرتبط در خصوص رابطه انسان و محیط می‌تواند به انسجام در نحوه توسعه مساجد بینجامد و پس از اولویت‌بندی و شکل‌دهی به مدل‌های مفهومی و راهبردهای قابل اجرا در قالب بیانی شفاف و اصولی کاربردی در جهت دستیابی به کیفیت مطلوب در اختیار متولیان آن قرار گیرد. لیکن تحقق کامل اهداف مستلزم تحقیقات بعدی است که بتواند زمینه انسجام همه‌جانبه نظریات قابل اتکا در هر دو حوزه و تعمیم آن‌ها به سایر نمونه‌های مطالعاتی را فراهم نموده و به تدوین چارچوب کلی در نظام طراحی و برنامه‌ریزی مساجد منتهی گردد.



**پی‌نوشت**

۱. Gehl
۲. Whyte
۳. Osmand
۴. Montero Avila
۵. Carr
۶. Lee
۷. Jacobs
۸. Arenheim
۹. Huxtable
۱۰. El-Sagher Mahmud
۱۱. Hayashi
۱۲. «الجماعه رحمه والفرقه عذاب» (افلاکی العارفی ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۲۱).
۱۳. Snodgrass
۱۴. اصطلاح «تبدیل‌پذیری» در پژوهش حاضر به معنای تبدیل یک فضا به فضای دیگر است که با مفهوم «سلسله‌مراتب» در ارتباط است؛ و می‌تواند از طریق «مفصل» ایجاد گردد.
۱۵. Frascari
۱۶. Frampton
۱۷. پیامبر خدا فرمود هر یک از شما در مسجد محل سکونت خود نماز بگذارد و مساجد را جستجو نکند (هیشمی، بغیة الرائد، ج ۲، ح ۲۰۳۷).

**منابع**

۱. قرآن کریم.
۲. آصفی، مازیار، مرتضی شجاری، و صفا سلخی خسرقی. ۱۳۹۶. حرکت تکاملی نفس آدمی در فضای مسجد بر مبنای آرای ملاصدرا (نمونه موردی: مسجد کبود تبریز). *کیمیای هنر* (۶): ۲۲-۷۵-۸۸.
۳. اردلان، نادر، و لاله بختیار. ۱۳۹۰. *حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی*. ترجمه‌ی ونداد جلیلی. تهران: علم معمار.
۴. افلاکی العارفی، شمس‌الدین احمد. ۱۳۶۲. *مناقب العارفین*. به کوشش تحسین یازجی. تهران: دنیای کتاب.
۵. بانی مسعود، امیر. ۱۳۹۰. *معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته*. تهران: نشر هنر معماری قرن.
۶. بلیان اصل، لیدا، ایرج اعتصام، و سید غلامرضا اسلامی. ۱۳۹۰. نقش فضای بینابین در هویت بخشی به گستره فضایی بافت‌های تاریخی ایران. *هویت شهر* (۵): ۷۱-۵۹.
۷. بنتلی، ای-ین، آلن ال‌کک، پال مورین، سو مک گلین، و گراهام اسمیت. ۱۳۸۷. *محیط‌های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان*. ترجمه‌ی مصطفی بهزادفر. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
۸. بورکهارت، تیتوس. ۱۳۶۵. *هنر اسلامی، زبان و بیان*. ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا. تهران: سروش.
۹. بل، سایمون. ۱۳۸۷. *عناصر طراحی بصری در منظر*. ترجمه‌ی محمدرضا مثنوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. بهشتی، سید محمد. ۱۳۸۹. *مسجد ایرانی، مکان معراج مؤمنین*. تهران: روزنه.
۱۱. پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۸. *راهنمای طراحی فضاهای شهری*. تهران: شهیدی.
۱۲. \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۳. *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی: از فضا تا مکان*، جلد ۳. تهران: شهیدی.
۱۳. پروند، شادان، و نوین تولایی. ۱۳۷۶. آشنایی با ویژگی‌های فضایی - مکانی مسجد در ایران. *معماری مسجد*. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده. دانشگاه هنر اصفهان: انتشارات دانشگاه هنر.
۱۴. پیشوایی، حمیدرضا، و مهرداد قیومی بیدهندی. ۱۳۹۲. خاک و خرد، تأملی در شأن معماری در مثنوی معنوی. *مطالعات معماری ایران* (۲): ۱۷-۳۵.
۱۵. تیبالدز، فرانسیس. ۱۳۸۷. *شهرسازی شهروندگرا*. ترجمه‌ی محمد احمدی‌نژاد. اصفهان: خاک.
۱۶. حمزه‌نژاد، مهدی، و مائده عربی. ۱۳۹۳. بررسی اصالت اسلامی ایرانی در مساجد نوگرای معاصر (مطالعه موردی: طرح مسجد چهارراه ولی عصر (عج) تهران). *شهر ایرانی اسلامی* (۱۵): ۴۷-۶۱.
۱۷. دانشگر مقدم، گلرخ، سیدحسین بحرینی، و علیرضا عینی‌فر. ۱۳۹۱. تحلیل اجتماع‌پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت. *فصلنامه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی* (۴۵): ۲۵-۳۶.
۱۸. دباغ، امیر مسعود، و سیدمصطفی مختاباد امرئی. ۱۳۹۴. چارچوبی نوین برای خوانش مساجد تهران معاصر. *نقش جهان* (۴): ۲-۳۵.
۱۹. رضاخانی، ژیلما. ۱۳۹۳. درآمدی بر مفهوم مفصل در معماری بر اساس روش های‌دگری ریشه‌شناسی واژه. *مطالعات معماری ایران* (۵): ۱۰۱-۱۱۴.
۲۰. زمرشیدی، حسین. ۱۳۷۴. *مسجد در معماری ایران*. تهران: کیهان.
۲۱. شکاری، جواد. ۱۳۸۱. *معماری مسجد در نظام اسلامی*. ماهنامه مسجد (۱۱): ۴۳-۴۲-۴۵.



۲۲. فلامکی، محمدمنصور. ۱۳۹۲. شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب. تهران: فضا.
۲۳. کارمونا، متیو، تیم هیت، و تنراک استیون تیسدل. ۱۳۹۴. مکان‌های عمومی، فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری. ترجمه‌ی فریبا قرائی و دیگران. تهران: انتشارات دانشگاه هنر تهران.
۲۴. گروتز، یورگ. ۱۳۹۰. زیباشناسی در معماری. ترجمه‌ی جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. گلستانی، نفیسه، سمیرا میری، و قاسم مطلبی. ۱۳۹۵. جایگاه جلوخان مساجد دیروز و امروز در شکل‌گیری و تقویت قرارگاه رفتاری (مقایسه تطبیقی نمونه موردی مسجد وکیل و مسجد الزهرا در شیراز). مدیریت شهری (۴۳): ۵۱۵-۵۳۳.
۲۶. لنگ، جان. ۱۳۹۵. آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. لینچ، کوین. ۱۳۹۲. سیمای شهر. ترجمه‌ی منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. محبوبی، قربان، مصطفی مختاباد امرئی، و مصطفی عطارعباسی. ۱۳۹۵. بازشناخت هستمندی همزیستی درون و بیرون معماری مساجد ایران (با تأکید بر روش فازی). کیمیای هنر (۵): ۵۷-۷۵.
۲۹. محمدی، محمد، و محمدحسین آیت‌اللهی. ۱۳۹۴. عوامل مؤثر در ارتقای اجتماع‌پذیری بناهای فرهنگی (بررسی موردی: فرهنگسرای فرشچیان اصفهان). نامه معماری و شهرسازی ۸ (۱۵): ۷۹-۹۶.
۳۰. موسوی، سیدمحمدرضا. ۱۳۹۳. تجلی ذکر و رمزپردازی مسجد در معماری ایرانی و اسلامی. دومین همایش ملی معماری، عمران و محیط زیست شهری. همدان: دانشکده شهید مفتح.
۳۱. مولوی، جلال‌الدین محمد. ۱۳۷۱. مکتوبات مولانا جلال‌الدین رومی. تصحیح توفیق سبحانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۲. \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۸. فیه ما فیه. تصحیح توفیق سبحانی. تهران: پارسه.
۳۳. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۷. شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات). اصفهان: مانی.
۳۴. مک اندرو، فرانسیس تی. ۱۳۸۷. روانشناسی محیطی. ترجمه‌ی غلامرضا محمودی. تهران: زرباف اصل.
۳۵. مهدوی‌نژاد، محمدجواد، محمد مشایخی، و منیره بهرامی. ۱۳۹۳. الگوهای طراحی مسجد در معماری معاصر. پژوهش‌های معماری اسلامی (۴): ۱-۱۵.
۳۶. هال، ادوارد تی. ۱۳۹۶. بعد پنهان. ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۷. هدمن، ریچارد. ۱۳۸۵. مبانی طراحی شهری. ترجمه رضییه رضازاده و مصطفی عباس‌زادگان. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۳۸. هیثمی، علی بن ابی‌بکر. ۱۴۲۵ق. بغیة‌الرائد فی تحقیق مجمع الزوائد و منبع الفوائد. بیروت: دارالفکر.

## References

1. Holy Quran.
2. Aflaki al-Arefi, Shams al-Din Ahmad. 1983. *Managhb al-Arefin*. By Efforts of Tahsin Yaziji. Tehran: Donya-ye Ketab.
3. Alexander, Christopher, Sara Ishikawa, and Murray Silverstein. 1977. *A Pattern Language*. London: Oxford University Press.
4. Ardalan, Nader, and Laleh Bakhtiar. 2010. *Sense of Unity: Sufi Tradition in Iranian Architecture*. Translated by Vandad Jalili. Tehran: Elm-e Memar.
5. Arnheim, R. 1997. *The Dynamics of Architectural Form*. London: University of California press.
6. Asefi, Maziar, Morteza Shajari, and Safa Salkhi Khasraghi. 2019. Perfection Movement of the Soul of Man in Mosque Space On the Basis of Mulla Sadra's Views Case Study: Tabriz Blue Mosque. *Kimiya Ye Honar* 6(22): 75- 88.
7. Bacon, Edmund. N. 1967. *Design of City*. London: Thames and Hudson.
8. Balilan Asl, Lida, Iraj Etesam, and Seyed Gholamreza Eslami. 2010. The Role of In-Between Spaces to Identifying Historical Fabrics of Iranian Cities. *Hoviatschahr* 5 (8): 59- 71.
9. Banimasoud, Amir. 2010. *Contemporary Iranian Architecture: In the Struggle between Tradition and Modernity*. Tehran: Honar-e Memari Publication.
10. Beheshti, Seyed Muhammad. 2010. *Iranian Mosque, The Place of Ascension of the Believers*. Tehran: Rozane.
11. Bell, Simon. 2008. *Visual Design Elements in Landscape*. Translated by Mohamadreza Masnavi. Tehran: University of Tehran Press.
12. Bentley, Ian, et al. 2007. *Responsive Environments: A Manual for Designers*. Translated by Mostafa Behzadfar. Tehran: Iran University of Science and Technology.
13. Burkhart, Titus. 1986. *Islamic Art, Language and Expression*. Translated by Masood Rajabnia. Tehran: Soroush.
14. Carr, S., M. Francis, L. G. Rivlin, and A. M. Stone. 1992. *Public Space*. Cambridge: Cambridge University Press.
15. Cullen, Gordon. 1961. *The Concise Townscape*. London: Architectural Press.
16. Dabagh, Amir Masoud, and Seyed Mostafa Mokhtabad Amrei. 2014. Reading the Architecture of Contemporary



- Mosques in Tehran with Semiotics Approach. *Naqshejahan* 4 (2) :22- 35.
17. Daneshgarmoghaddam, Golrokh, Seyed Hossein Bahrainy, and Alireza Einifar. 2011. An Investigation On Sociability of the Spaces Based On Perception of Nature in The Built Environment. *Honar-ha-ye-Ziba, Memari-va-Shahrsazi* (45): 25- 36.
18. El-Sagher Mahmud, Riam Mohamed. 2011. *Existing Building Re-Skin, Faculty of Engineering*. Thesis for Master of Engineering, Supervised by Prof. Dr. Nadia Mohamed Thabet, Helwan University.
19. Frampton, Kenneth. 1995. *Studies in Tectonic Culture: The Poetics of Construction in Nineteenth and Twentieth Century Architecture*. Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.
20. Frascari, Marco. 1996. *The Tell-the Tale Detail*. Theorizing a New Agenda for Architecture: An Anthology of Architectural Theory 1965-1995 ed. Kate Nesbitt, PP: 500- 513. New York: Princeton Architectural Press.
21. Gehl, Jan. 1987. *Life between Buildings*. Translated by J. Koch. New York.
22. Hamzehnejad Mehdi, and Maedeh Arabi. 2014. A Study of the Islamic-Iranian Originality in The Contemporary Modern Mosques; A Case Study On Mosaue of Vali Asr. *Iranian Islamic City* (15): 47- 61.
23. Huxtable, A. L. 2004. *Building Façade*, Retrieved 15 Feb, 2007, from [http://www.class.uidaho.edu/education/research/facade\\_remodeling.htm](http://www.class.uidaho.edu/education/research/facade_remodeling.htm)
24. Falamaki, Mohammad Mansour. 2013. *The Formation of Architecture in the Experiences of Iran and the West*. Tehran: Faza.
25. Golestani, Nafise, Samira Miri, and Ghasem Motallebi. 2006. The Position of the Jelokhan of Mosques of Yesterday and Today in the Formation and Strengthening of Behavioral Camps (Comparative Comparison of the Case Study of Vakil Mosque and Al-Zahra Mosque in Shiraz). *Urban Management* (43): 515- 533.
26. Grutter, Jorg Kurt. 2011. *Aesthetics in Architecture*. Translated by Jahanshah Pakzad and Abdolreza Homayoun. Tehran: Shahid Beheshti Publishing and Press Corporation.
27. Jacobs, J. 1961. *The Teeth and Life of Great American Cities*. New York: Random House.
28. Hall, Edward T. 2017. *The Hidden Dimension*. Translated by Manuchehr Tabibian. Tehran: University of Tehran Press.
29. Hedman, Richard. 2006. *Principles of Urban Design*. Translated bby Razie Rezazade and Mostafa Abaaszadegan. Tehran: Iran University of Science and Technology.
30. Heisami, Ali ibn-e Ali Akbar. 2004. *Baghiat al-Raed fi Tahghigh Majma al-Zavaed va Manba al-Favaed*. Beirut: Dar al-Fekr.
31. Karmona, M., T. Heet, and T. E. Tisdell. 2015. *Public Places, Urban Spaces, Various Dimensions of Urban Design*. Translated by Fariba Gharaee et al. Tehran: Tehran University of Art Press.
32. Lang, John. 2016. *Creation of Architectural Theory, The Role of Behavioral Sciences in Designing the Environment*. Translated by Alireza Einifar. Tehran: University of Tehran Press.
33. Lee, T. 1970. Urban Neighborhood as a Social- Spatial Ature in Raumen. *Gesunheitsing* (90): 2-10.
34. Lerup, Lars. 1972. Environmental and Behavioral Congruence as a Measure of Goodness in Public Space: Two Case Studies in Stockholm. *Eki.stics* (3) 204: 341-357.
35. Lynch, Kevin. 2013. *The Image of the City*. Translated by Manuchehr Mozayyeni. Tehran: Tehran University Press.
36. Mahbubi, Ghorban, Mostafa Mokhtabad Amrei, and Mostafa Attar Abbasi. 2016. Recognition of the Existence of Coexistence Inside and Outside the Architecture of Iranian Mosques (with Emphasis on the Fuzzy Method). *Kimia-ye-Honar* 5 (21): 57-75.
37. Mohammadi, Mohammad, and Mohammad Hosein Ayatollah. 2015. Effective Factors in Promoting Sociability of Cultural Buildings Case Study: Farshchian Cultural Academy in Isfahan. *AUP* 8 (15): 790 96.
38. Molavi, Jalal al-Din Muhammad. 1992. *Maktubat Molana Jalal al-Din Roomi*. Corrected by Tofigh Sobhani. Tehran: Academic Publishing Center.
39. ————. 1999. *Fih-e ma Fih*. Corrected by Tofigh Sobhani. Tehran: Parse
40. Montero Avila, Monica. 2001. *Factors that Influence the Social Life and Vitality of Public Open Spaces in Maracaibo- Venezuela. Case Study: Plaza de la Madre and Plaza de la Republica*. Etd. Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University.
41. Moosavi, Seyed Mohammad Reza. 2014. In *Second National Conference of Architecture, Civil, and Urban Environment*. Hamedan: Mofatteh Faculty.
42. Naghizade, Mohammad. 2008. *City and Islamic Architecture*. Isfahan: Mani.
43. Mahdavinezhad, Mohammad Javad, Mohammad Mashayekhi, and Monire Bahrami. 2015. Mosque Design Patterns in Contemporary Architecture. *Researches in Islamic Architecture* 2 (4) :1-15
44. Translated by Gholamreza Mahmoodi. Tehran: Zarbaf Asl.



45. Osmand, Humphry. 1957. *Function as the basis of Psychiatric Ward Design*. New York: Holt Rinehrst and Winston.
46. Pakzad, Jahanshah. 2003. *Urban Space Design Guide*. Tehran: Shahidi.
47. \_\_\_\_\_. 2008. *The Course of Ideas in Urban Planning: from Space to Place, Volume 3*. Tehran: Shahidi.
48. Parvand, Shadan, and Novin Tavallae. 1997. Familiarity with the Spatial Features of the Mosque in Iran. Mosque Architecture. In *Proceedings of the Mosque Architecture Conference: Past, Present, Future*. Isfahan University of Arts: University of Arts Publications.
49. Pishvaie Hamid Reza, and Mehrdad Qayyoomi Bidhendi. 2013. Soil and Wisdom, Reflections on the Status of Architecture in Rumi's Mathnawi. *JIAS* 2 (3) :17- 35.
50. Rezakhani, Zhila. 2014. An Introduction to Articulation in Architecture, in Accordance with Heidegger's Method of Etymology. *JIAS* 3 (5) :101-114
51. Shekari, Javad. 2002. Architecture of Mosque in Islamic System. *Mosque* 63 (11): 42- 45.
52. Snodgrass, S. E., S. J. G. Higgins, and L. Todisco. 1986. The Effects of Walking Behavior on Mood, Paper Presented at the *American Psychological Association Convention*.
53. Tibalds, Fransis. 2008. *Citizen-Oriented Urban Planning*. Translated by Mohammad Ahmadinezhad. Isfahan: Khak.
54. Whyte, William. 1980. *Social Life of Small Urban Space*. Conservation. Project for Public Spaces. US Nonprofit Organization for Creating and Sustaining Public Places.
55. Zhomarsheidi, Hossei, 1995. *Mosque in Iranian Architecture*. Tehran: Keyhan.



**An Analytical Approach to the Invitation quality of Contemporary Mosques (Case Study: Mosques of Tehran)**

Hosna Varmaghani \*

Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Received: 12/05/2019

Accepted: 17/09/2019

**Abstract**

There were the glorious examples of the architecture of mosque once in Iran. They were the places for equality between all classes, so they must have qualities for invitation, guidance, and reminder and call the believers and attract other followers of religions as the missionary of Islam. This invitation is not only in the field of vision, but also in terms of audio and other means, such as multi-functionality, centrality, and location of deployment. This architecture was considered to be the main factor in identifying the complexes of Muslims due to its comprehensiveness, importance, severalty and high status in the past times, But today it has lost its inviting role because of structural changes. In contemporary times, as well as the changes in the structure of the city, due to the changing needs and functions of the mosques, as well as the distinction with dimensions and their location in the urban structure and economic constraints, the goals and characteristics of the mosques were also forgotten; So that today all the social groups have reacted from citizens and worshipers to architects and urban designers.

Paying attention to the Invitation role of the mosques forms the central idea of the present paper. It is one of the pillars of urban design and planning in contemporary city centers and neighborhoods. All aspects of the invitation in the body, function and meaning are important in this research. The present paper addresses this question: How can we use the physical, functional and semantic components of the mosques to enhance the quality of the invitation on the urban and local scale, the entrance view, as well as the interior space of the building. This paper is looking for the optimal design process. In this regard, using the content analysis methodology, we are going to refresh the actions and theories in the field of related topics. We are presented a desirable process to promote the quality of the invitation of contemporary mosques by achieving a conceptual and applied framework. We elaborate the subject by selecting 8 examples of contemporary Tehran mosques. We analyses the elements affecting the general form of the building, the external walls, the design and the entrance and the interior space of the mosques by referring to library resources and field observations. The results of the analysis show that an ideal set of physical factors to semantic components affects mosque admission that has a significant effect on the enhancement of the presence of the individual and the community. These results categorizes and describes in terms of criteria of visibility and centrality in urban scale, admission and guidance in middle-level scale, meaningfulness and visual memory in the outer walls and the entrance perspective, convergence and spatial regulation in the interior space of the mosques.

**Keywords:** Mosque, Invitation, Contemporary architecture, Entrance perspective, Interior space.